



چاپ هجدهم

با مقدمه حضرت آیت الله
سید ابوالحسن مهدوی

به کوشش عماد داوری دولت آبادی

بیست دلیل عقلی
و روانشناسی
برای حجاب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هدیه به عزیزان آسمانی:

محمد حمزه رسولی

مرتضی زارع

سجاد مرادی

عبدالحسین یوسفیان

و تقدیم به همسر بزرگوارم



بیست دلیل عقلی و روانشناسی برای **حجاب**
برگرفته از سلسله بیانات استاد
آیت الله سید ابوالحسن مهدوی حفظه الله

کتاب صوتی ترگل را
از نشانی زیر دریافت کنید؛
7ee.ir/targol



سرشناسه: داوری دولت آبادی، عماد، ۱۳۷۳-
عنوان و نام پدیدآور: ترگل، بیست دلیل عقلی و روانشناسی برای حجاب
مشخصات نشر: قم: اعتلای وطن: ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص.: مصور (تمام رنگ).
فروست: حجاب و عفاف
شابک: ۸-۸-۹۶۴۳۲-۶۰۰-۹۷۸-۲۵۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: حجاب و عفاف -- دلیل عقلی -- روانشناسی
رده بندی کنگره: ۲۱۳۹۵ و ۲۲/۸۸۸۴/۵۱۰۵ tk
رده بندی دیودی: ۰۰۶/۷
شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۰۷۶۳۷

مرکز فرهنگی ساجات

عنوان: ترگل

بازبینی محتوایی: بانوان مکرم: اعظم داوری، نیلوفر داوری

ویراستار: حمیدرضا حبیبی

طرح جلد: میثم ثابت

گرافیک و صفحه آرایی: امین کوثری

انتشارات: اعتلای وطن

تألیف: عماد داوری دولت آبادی

چاپ: شانزدهم

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

حق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است.

مرکز بخش:

اصفهان، مرکز فرهنگی ساجات ۰۹۰۳۱۰۰۷۰۱۹ - ۰۳۱۹۱۰۰۲۲۷۲

وب گاه مرکز: Sabehat.com ، وب نوشت مؤلف: alae.ir

شبکه های اجتماعی: @nazreketab

مقدمه	۶
چند نکته ی مهم	۸
تفاوت اصلی دختر و پسر	۱۰
دلیل اول، آزادی فکر	۱۳
دلیل دوم، پیشرفت علمی	۱۶
دلیل سوم، خانه ای مستحکم؛	۱۹
خیانت و ارتباط آن با پوشش؛	۲۴
دلیل چهارم، شیفتگی زن و مرد، منحصر به خانه	۲۶
دلیل پنجم، امنیت بیشتر؛	۲۸
آمار از بحران جنسی در آمریکا و اروپا	۳۲
دلیل ششم، پیشگیری از تخلفات قانونی	۳۸
دلیل هفتم، ارزشمندها محفوظ ترند	۴۰
دلیل هشتم، حفظ آزادی اجتماعی	۴۳
دلیل نهم، رونمایی در خانه	۴۹
دلیل دهم، حجاب، عامل حفظ حیا	۵۱
دلیل یازدهم، حجاب، عامل حفظ غیرت	۵۶
دلیل دوازدهم، حجاب، میراث ملی	۶۱
دلیل سیزدهم، پوشش و سلامتی بیشتر	۶۴
دلیل چهاردهم، پوشش و فطرت	۶۶
دلیل پانزدهم، انعطاف بیشتر زن	۶۸
دلیل شانزدهم، پوشش عامل کنترل میل به چند همسری	۷۲
دلیل هفدهم، پوشش عامل کنترل حرص	۷۴
دلیل هجدهم، پوشیدگی بیشتر	۷۸
دلیل نوزدهم، نگاه شکنی	۸۰
دلیل بیستم، حجاب عامل توجه اساسی مرد به همسر	۸۲
اینستاگرام و شبکه های اجتماعی	۸۵
چند پرسش	۸۸
چند نکته ی مهم	۹۶
فهرست منابع	۱۱۵

آیت الله سید ابوالحسن مهدوی حفظه الله

عضو محترم مجلس خبرگان رهبری



بسم الله الرحمن الرحيم

هرچه زمان می‌گذرد و پژوهشگران به دستاوردهای علمی جدیدی دسترسی پیدا می‌کنند، شگفتی‌های بسیار و نظم‌های تازه‌ای در جهان کشف می‌شود که هر دانشمندی را معترف به علم و قدرت بی‌پایان خالق می‌کند و هر عالمی را به خضوع و خشوع در مقابل خالق بی‌همتا، بی‌نهایت و بی‌نیاز می‌کشاند و هر بیدار دل‌بصیری را به رکوع و سجود اختیاری دعوت می‌کند؛ اما آنچه تعجب و شگفتی را در این میان دوچندان می‌کند، تطابق این تحقیقات و دستاوردهای علمی روز با دستورات دین است و این حقیقت گواه آن است که آفریننده‌ی انسان و جهان، از نظم، شگفتی‌ها، منافع و ضررهای اشیاء و موجودات کاملاً باخبر بوده و هموست که دین را برای بهره‌گیری کامل انسان‌ها از مصلحت‌های شخصی و اجتماعی و دفع و رفع ضررها فرستاده است؛ اما زمانی که بفهمیم بعضی از دستورات دین، آن‌چنان از دلیل‌های محکم عقلی و فطری برخوردار است که حتی در جوامع بی‌دین و یا امت‌های پیش از اسلام، بر اساس فطرت آن‌ها رایج بوده و دین اسلام آن‌ها را تأیید کرده است، بر حیرت‌انگیز افزوده می‌شود و تعجب ما وقتی دوچندان می‌شود که بدانیم آن جوامع قرن‌ها پیش از اسلام، هیچ‌اشراف و احاطه‌ای نسبت به دلیل‌های عقلی احکام امروزی دین نداشته‌اند و با گذر زمان، هر روز حقایق و اسرار تازه‌تری از آن کارها برای دانشمندان کشف می‌شود. تمایل فطری و درونی به داشتن لباس و پوشش برای آقایان و حجاب و چادر برای زنان از این قبیل است. البته هر دانشمند و پژوهشگری که شایسته‌ی چنین عنوانی باشد وقتی می‌بیند پوشش و حجاب در بین جوامع پیش از اسلام، با وجودی که از فلسفه‌ی این حکم اطلاع چندانی نداشته‌اند، مسئله‌ای رایج بوده، انگشت تعجب به دهان می‌گیرد. امروزه دانشمندان با پیشرفت علم بهداشت و سلامت

جسم و روان و کشف نیازهای فردی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی انسان به برخی دیگر از منافع و مصلحت‌های پوشش پی برده‌اند.

دلایل پوشش به عنوان نیازی فطری، هر انسان با انصافی را به پذیرش بهترین پوشش برای بانوان یعنی چادر و کم جاذبه‌ترین رنگ، یعنی مشکی وامی‌دارد؛ دلایلی از قبیل: وجود حیا، حفظ عفت، استحکام پیوند زناشویی، انحصار تعلق خاطر و محبت به همسر، افزایش یکدلی بین زن و شوهر و وفاداری و اعتماد آن‌ها به یکدیگر، احترام و حسن معاشرت، کمک به یکدیگر، کاهش آمار طلاق، تمرکز افکار جامعه بر خدمت و پیشرفت، امنیت اخلاقی، آزادی فکر، مصون ماندن از آسیب‌ها، حفظ و رعایت آزادی‌های اجتماعی، احترام به حقوق دیگران، کنترل شهوت، بیمه شدن در برابر بسیاری از بیماری‌های جسمی، جلوگیری از تشویش فکری و اضطراب روانی و نیز دلایل دیگری که چه بسا در آینده، دانشمندان به آن دسترسی پیدا کنند؛ به عنوان نمونه آرامش و سکونت روحی که ثمره‌ی حجاب و چادر است وقتی به عبارت دکتر الکسیس کارل ضمیمه می‌شود که می‌گوید: «بیشتر بیماری‌های معده و روده در نتیجه‌ی اضطراب‌های روحی و روانی است» هر خواننده‌ای را به تعجب وامی‌دارد. چادر مشکی نوعی وقار، بزرگی، هیبت معنوی و شخصیت به زنان می‌دهد که همین شکوه و عظمت مانع دسترسی هوس‌بازان به آن‌ها می‌شود. اثری که پیش رو دارید را برادر گرانمایه و خوش فکر، جناب آقای عماد داوری زید عزه از بیانات اینجانب استخراج نموده و پس از ویراستاری و استخراج منابع و ضمیمه نمودن بعضی مطالب از کتب و نشریات دیگر و تنظیم در قالب عبارات زیبا و جوان‌پسند، به گونه‌ای که ملاحظه می‌کنید، تدوین نموده است. امیدوارم نسل جوان و دختران جوای حقیقت امروز، با دقت و تفکر و تعقل در مطالب این اثر، راه سعادت روحی و سلامت جسمی را، آگاهانه انتخاب کنند و با پوشیدن بهترین و برترین پوشش، بر عزت، شخصیت، اقتدار و استقلال خود و جامعه بیفزایند و نیز با بصیرت و عبرت گرفتن از تاریخ آندلس، مانع تحقق اهداف شوم استکبار و نفوذ و تسلط نامشروع آن‌ها بر کشورهای اسلامی شوند.

۱۳۹۵، ۳۲۰
سید ایراحمد مهدوی



یک نکته‌ی خیلی مهم

زن و مرد در بُعد انسانی باهم برابرند، اما هرکدام با توجه به ویژگی‌های آفرینشی خود ابعاد دیگری هم دارند که باید به آن‌ها توجه کنیم، مثلاً زن سرشار از لطافت است، سرشار از عطوفت و مهربانی است، زن مظهر زیبایی است و... ما در این کتاب درباره‌ی ابعاد آفرینشی زن‌ها صحبت می‌کنیم پس اگر در جایی از کتاب، خواستید بگویید پس مردها چی؟ به مردها یاد بدهید خودشان را کنترل کنند. این نکته یادتان بیاید: خداوند متعال در قرآن کریم ابتدا به مردها دستور کنترل نگاه و سپس به زنان دستور پوشش و کنترل نگاه می‌دهد. ما عمیقاً به این نکته واقفیم و در کتابی دیگر راهکارهای کنترل شهوت و نگاه را بیان کرده‌ایم. مخاطب این کتاب فقط خانم‌ها هستند؛ پس لطفاً از گفتن جملاتی شبیه اینکه **به مردها بگویید چشمشان را کنترل کنند**، به شدت پرهیز کنید.



فقط به خاطر **صلی روی شما** که می‌خواهی این کتاب را بخوانی
دین را می‌بوسیم می‌گذاریم کنار!
یعنی نمی‌خواهیم دلایل دینی حجاب را بررسی کنیم
می‌خواهیم بگوییم عقل در برهه‌ی
پوشش اسلامی و چادر چه می‌گوید.
تایید برای بعضی،
دستورات دینی
اهمیتی نداشته باشد،
اما همه حرف عقل را
قبول دارند.

قبل از شروع به نظری رسیدن آوری چند نکته ضروری است؛

۱ می گویند جنگ اول به از صلح آخر! شما که تاج سرید اما با عرض پوزش قبل از شروع مطالعه، از خودتان بپرسید چقدر منطقی هستید؟ صاف و روراست! اگر خودتان را شخصی منطقی می دانید، مشتاقانه میزبان نگاه مهربانتان خواهیم بود در غیر این صورت اگر فکر می کنید احساسات بر منطقتان غلبه دارد، همین الآن کتاب را ببندید و بگذارید کنار، اگر قصد خواندن کتاب را دارید، به خودتان قول دهید، بر مبنای عقل و منطق مطالعه کنید.

۲ قسمت های مختلف کتاب مکمل یکدیگرند و بعضی قسمت ها در تأیید و تکمیل قسمت های قبلی آمده اند، پس خواندن آن، وقتی نتیجه خواهد داشت که همه ی آن با دقت خوانده شود؛ بنابراین قضاوت را بسپارید به وقتی که خواندن کتاب تمام شد.

۳ این طور نیست که فقط خانم ها موظف به رعایت حجاب و عفت باشند و آقایان آزاد، نه! آقایان هم باید پوشیده باشند اما چون زیبایی کمتری نسبت به خانم ها دارند، پوشش آن ها نیز کمتر است، مثلاً نیازی نیست موی سرشان را بپوشانند، همچنین آقایان هم باید عقیف باشند، اما چون مردان بخاطر قدرت جسمانی و برتری جسمانی می توانند به زنان ظلم کنند و برخلاف تمایلات زن رفتار کرده و به آن ها تعرض کنند، روی عفت و پوشش زنان به عنوان یک عامل بازدارنده، تاکید بیشتری شده است. بنابراین بحث پوشش با توجه به دلایلی که خواهیم گفت، از بُعدی بررسی شده است که بیشتر مربوط می شود به خانم ها.

۴ زن و مرد به عنوان انسان، برتری ها و تفاوت های ویژه ای نسبت به دیگر موجودات دارند مانند میل به تکامل، میل به تحصیل علم، میل به تاثیر بر اجتماع و... اما در این نوشتار، مرد و زن از بُعدی خاص بررسی شده اند: **میل به زیبا بودن، میل به زیبا دیدن.**

۵ این کتاب را یک شبه نخوانید، بلکه هر روز یکی دو قسمت از آن را مطالعه کنید. تکرار می کنم؛ این کتاب را یک شبه نخوانید، بلکه هر روز فقط یکی دو قسمت از آن را مطالعه کنید.

۶ مطالب ترگل، مجموعه ای است از آگاهی هایی که لازم است هر دختر خانمی آن ها را بداند؛ پس با دقت بخوانید.



تفاوت اصلی دختر و پسر

متأسفانه برخی خانم‌ها به تفاوت اصلی زن و مرد که درباره‌ی آن توضیح خواهیم داد، چندان توجهی نمی‌کنند، برای همین، بعضی اوقات کلاه سرشان می‌رود، پس اگر کمی صریح صحبت کرده‌ایم، ناراحت نشوید...

همه قبول دارند، زن جذاب و دلرباست، خیلی بیشتر از مرد! که حتی با یک سلام ساده می‌تواند دل مردی را به سادگی دربند خود کند؛ از طرفی باید به این نکته توجه کنیم که تمایلات زن عاطفی است و تمایلات مرد جنسی، یعنی زن به مرد بیشتر نگاه عاطفی می‌کند و مرد به زن بیشتر نگاه جنسی. این مطلبی نیست که کسی بخواهد آن را انکار کند، چون این تمایلات، همان ویژگی‌های آفرینشی زن و مرد است که گفتیم. البته منظورمان این نیست که مرد مطلقاً موجودی دل‌سنگ و بی‌عاطفه است.

دکتر باربارا دی‌آنجلیس، روان‌شناس و کارشناس مسائل خانواده می‌گوید:

«زن‌ها نیاز ندارند به حالتی احساسی تغییر وضعیت بدهند، بلکه همیشه یا اکثر اوقات از پیش در آن حالت احساسی، هستند؛ چه آن را ابراز کنند، چه نکنند! برعکس مردها باید عامدانه و به طرزی ارادی به حالت احساسی درآیند!» به همین خاطر است که می‌بینید افراد هرزه وقتی بخواهند بدن یک زن را تسخیر کنند، اول به او محبت می‌کنند، با او دوست می‌شوند، به او عشق می‌ورزند و رفته رفته مقدمات اهداف پلید خود را فراهم می‌کنند.

1. Barbara De Angelis, "What Women Want Men to Know", Sec I.

شاید پیش خودتان بگویید وقتی برهنگی آزاد شد، در نتیجه این فرهنگ عادی شده و حس کنجکاوی نسبت به آن از بین می‌رود، آن وقت دیگر مرد و زن نسبت به یکدیگر حرص و طمع ندارند! اما باید توجه داشته باشیم غریزه‌ی جنسی انسان‌ها، مثل آب دریاست، فرض کنید تشنه‌اید، اگر آب شور دریا را خوردید، تشنه‌تر خواهید شد، وقتی حریمی بین دو جنس زن و مرد در جامعه نباشد، هیجان‌های جنسی گسترش پیدا خواهد کرد، مثل آتش که هرچه هیزم بیشتری در آن بریزید، شعله‌ورتر خواهد شد.

قبول ندارید؟ به تاریخ نگاهی بیندازید:



تا همین صدسال پیش، پادشاهانی بودند که برای خود محلی را بنام حرم سرا آماده می‌ساختند؛ حرم سرا جایی بود که صدها زن بلکه هزاران زن که در زیبایی سرآمد دیگر زنان بودند، در آن جمع می‌شدند تا در اختیار آمیال جنسی فلان پادشاه باشند، مثلاً همین خسرو پرویز خودمان و یا فتح‌علی شاه قاجار؛ اما هیچ‌گاه این پادشاهان از کام‌جویی با زنان سیر نمی‌شدند. هرگاه وصف زن زیبایی را می‌شنیدند، او را به خدمت خود فرامی‌خواندند. «خسرو معتضد»،

نویسنده‌ی کتاب «زن در عصر قاجار» در مقدمه‌ی این کتاب می‌نویسد:

«وقتی پادشاهی چون «فتح‌علی شاه قاجار» سال‌ها وقت خود را در آن مقطع حساس تاریخی به خوش‌گذرانی و زمان‌سپاری بیهوده می‌گذراند و کلکسیون زنان در خانه‌ی خویش ترتیب می‌دهد، نیک پیداست که کشور را به حال خود رها می‌کند و اوقات زیادی برای رسیدگی به امور ملک و مردم برایش باقی نمی‌ماند. انصاف دهیم زمانیکه شاهی این‌سان روزگار به بیهودگی و هوسرانی بگذراند و صاحب بیش از دویست فرزند شود، کجا توان و وقت پرداختن به امور مهم کشور را خواهد داشت و آیا نمی‌توان یکی از رازهای عقب‌ماندگی ایران در دویست سال اخیر را از همین گم کردن زماندار در شبستان‌های حرمسرایش باز یافت؟!»

دنیای دیروز، دنیای امروز

تفاوت امروز با صدسال پیش این است که دیگر نیازی نیست مردی امکانات و پول فتحعلی شاه را داشته باشد، امروز همین که پسری بتواند به دروغ ابراز محبت کند به راحتی می تواند، ده ها دختر جوان را فریب داده و با آن ها رابطه ای صمیمانه داشته باشد. شاید دور و اطرافتان دیده باشید، پسران جوانی را که نه یکی، نه دوتا که باده ها دختر دوست شده اند، این ها از دوستی با یک نفر و دو نفر سیر می شوند؟ خودتان بهتر می دانید که نه! مدتی با این دختر، مدتی با آن یکی، مدتی در دانشگاه، مدتی توی پارک و... دوستی را آغاز می کنند، با روح و روان یک دختر بازی می کنند، سودجویی می کنند و بعد به قول خودشان خیلی راحت کات می کنند! افسار شهوت که رها شد، تنوع طلبی می آید. دیگر آن پسر شهوت پرست از رابطه با یک دختر و دو دختر سیر نخواهد شد!

ما در ادامه با بیان آماری رسمی، خواهیم گفت جوامعی که برهنگی و نوع پوشش را آزاد گذاشته اند، در چه وضع دردناکی به سر می برند.



دلیل اول

آزادی فکر



تمرکز یا دل مشغولی؟

دخترها دوست دارند دلربا، زیبا و مورد توجه باشند، اصلاً آفرینششان این گونه است. وقتی دختر خانمی با نمایش زیبایی‌های خود، سر کلاس درس یا محل کار حاضر شود و در کانون توجه دیگران قرار گیرد، آیا می‌تواند نسبت به درس و کار خودش تمرکز کند؟ باید از اول صبح، دغدغه‌ی زیبایی و آرایش خود را داشته باشد و وقت زیادی را جلوی آئینه بگذراند؛ این درگیری از یک طرف و از طرفی دیگر؛ باید درگیر نگاه‌های هرزه‌ای باشد که به سمتش پرتاب خواهند شد.

خانم وندی شیلت، فعال حقوق زنان در آمریکا می‌گوید؛

اگر انسان دائماً بخواهد به تأمین زیبایی ظاهر خود بپردازد و کاری کند که دیگران به او حس خوبی داشته باشند، خود را در حالتی طاقت فرسا و خسته کننده - قرار می‌دهد.^۱

برای آقایان هم همین طور است؛ پسری که توی کلاس درس، پیش روی دختر خانمی بنشیند که پوششی عقیقانه ندارد، چقدر می‌تواند نسبت به درس و فعالیت علمی خود تمرکز کند؟

وقتی میل و حواس آن آقای سرنا خود آگاه به سمت جذابیت‌های دختر خانمی که کنارش نشسته جذب می‌شود، چرا باید حواسش را به درس بسپارد؟ در چنین اوضاعی فکر مشغول شده و دیگر دختر و پسر نمی‌توانند روی درس و کارشان متمرکز شوند، آن وقت می‌بینیم بازدهی تحصیلی کم می‌شود.

تابحال قوانین پوشش در دانشگاه‌های غربی را خوانده‌اید؟ جالب است بدانید اکثر دانشگاه‌های سطح اول دنیا، ضوابط و قوانینی برای پوشش تعیین کرده‌اند تا از غیر علمی شدن محیط دانشگاه، جلوگیری کنند.

۱. «دختران به عقاف روی می‌آورند» اثر وندی شیلت، ص ۱۸۴، نشر معارف، چاپ دهم.



مثلاً قانون زیر متعلق است به دانشگاه هاردین سیمونز^۱ آمریکا: پوشیدن هرگونه تیشرت، زیرپیراهن، لباس های ورزشی، شلوارک، دامن شلواری، دامن های خیلی کوتاه، جوراب شلواری، شلوارهای بسیار تنگ و یا شلوار زیر



مجاز نمی باشد. همچنین استفاده از کفش های ورزشی و صندل های راحتی ممنوع است.^۲

دقت کردید؟ این قوانین متعلق به یک دانشگاه آمریکایی است، نه دانشگاه امام صادق. جالب است بدانید بیشتر دانشگاه ها، حتی پوشیدن جوراب را نیز الزامی می دانند؛ اگر قوانین مربوط به دانشگاه های سطح اول دنیا^۳ را مطالعه کنید، به این نتیجه می رسید که هیچ کدام، نوع پوشش را یک مسأله ی شخصی نمی دانند، هیچ کدام آن را آزاد نگذاشته اند؛ بلکه همه برای آن قانون و شکل خاصی مشخص کرده اند.

به طور کلی پوشش نامناسب موجب درگیری فکری خواهد شد، یک نمونه اش را گفتیم، در همه ی زندگی همین طور است، محل کار، کوچه و خیابان، وقت رانندگی و... به نظر شما پوشش مناسب چقدر روی تمرکز حواس تأثیر می گذارد؟ وقتی آزادی فکر محفوظ ماند، ثمرات آن نیز روشن می شود، ثمراتی نظیر آرامش، عدم اضطراب، قدرت تفکر، خوش اخلاقی و... ما گاهی آنقدر روی ظاهر خودمان تمرکز می کنیم که اصلاً از باطن خودمان و امی مانیم. خانم وندی شلیت می گوید:

شاید جای تعجب نباشد که اعتماد به نفس پایین، عمومی ترین مشکل یک زن پست مدرن است. ما آنقدر عادت کرده ایم فقط به جنبه ی ظاهری خود توجه کنیم که تقریباً از خود حقیقی مان غافل شده ایم.^۴

۱. Hardin Simmons University, www.hsutx.edu.

۲. «نیم نگاهی به ضوابط پوشش در دانشگاه های جهان»، نیره قوی، صفحه ۴۸، چاپ ۱۰۳، نشر معارف.

۳. کتاب «نیم نگاهی به ضوابط پوشش در دانشگاه های جهان» را بخوانید؛ نویسنده: نیره قوی، نشر معارف.

۴. «دختران به عفاف روی می آورند»، ص ۱۷۰، نشر معارف، چاپ دهم.

دلیل دوم

پیشرفت علمی

یکی از ثمرات مهم آزادی فکر، پیشرفت علمی است، شما فکر می‌کنید چرا کشورهای غربی، آرام‌آرام در حال جداسازی فضای آموزشی دختران از پسران هستند؛ بد نیست بدانید سال ۲۰۰۹ در انگلیس، پژوهش وسیعی روی هفتصد هزار دخترخانم انجام و نشان داده شده است که اگر دختران در محیط‌هایی باشند که پسران حضور ندارند، نمرات بهتری کسب می‌کنند.^۱



برایتان جالب نیست؟

نتیجه‌ای را که انگلیسی‌ها بعد از بررسی روی ۷۰۰،۰۰۰ دخترخانم گرفته‌اند، اسلام‌ما، ۱۴۰۰ سال پیش برایمان توضیح داده بود. تازه بدون اینکه بخواهد وقت هفتصد هزار نفر را هم بگیرد!

در سال ۲۰۰۸ دولت ایالات متحده‌ی آمریکا پژوهشی را در اینباره انجام داد؛ این تحقیق، اثرات تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها را به این صورت ذکر کرده است:^۲

- ۱ کاهش اتفاقات جنسی بین معلمان و دانش‌آموزان.
- ۲ کاهش اختلالات رفتاری دانش‌آموزان.
- ۳ کاهش اذیت و آزار جنسی در بین دانش‌آموزان.
- ۴ افزایش اعتماد به نفس در بین دانش‌آموزان.
- ۵ ایجاد نوعی آموزش متناسب برای دختران و پسران.
- ۶ کاهش حواس‌پرتی در زمان یادگیری.
- ۷ ایجاد آزادی انتخاب در نوع آموزش.

1. Paton, Graeme; Moore, Matthew (18-03-2009). "Girls 'do better in single-sex schools'". The Daily Telegraph (London).
 2. Riordan, C., Faddis, B., Beam, M., Seager, A., Tanney, A., DiBiase R., Ruffin M., Valentine, J. (2008). Early Implementation of Public Single-Sex Schools: Perceptions and Characteristics. Washington D.C.



جالب است بدانید؛ به گزارش برخی منابع، دست کم ۱۲۰ دانشگاه تک جنسیتی در آمریکا مشغول فعالیت اند! آن وقت زمانی که در ایران ما، حرف از جداسازی محیط های دخترانه و پسرانه زده می شود، می گویند شما به شعور دانشجویان توهین می کنید. نه! این توهین نیست، این کمک به دانشجویست تا فکرش آزاد شده و به قله های عظیم علمی برسد، به جای اینکه سر کلاس و درس، حواسش پرت همه چیز باشد مگر درس. پس وقتی فکر آزاد شد، در نتیجه افراد خیلی بهتر می توانند روی علم و تحصیل تمرکز کنند و آن چنان که درخور آن هاست پیشرفت کنند. در ادامه، نام برخی از دانشگاه های تک جنسیتی در آمریکا آمده است.

برخی دانشگاه های پسرانه:

Miami, Florida St. John Vianney College Seminary, St. Paul, Minne-
sota St. John's Seminary College, Brighton, Massachusetts St. Joseph
Seminary College, St. Benedict, Louisiana Beis Medrash Heichal Dovid, Far
Rockaway, New York Beth Hamedrash Shaarei Yosher Institute, Brooklyn,
New York Beth Hatalmud Rabbinical College, Brooklyn, New York Beth
Medrash Govoha, Lakewood, New Jersey Central Yeshiva Tomchei Tmim-
im-Lubavitch, Brooklyn, New York Darkei Noam Rabbinical College, Brook-
lyn, New York Kehilath Yakov Rabbinical Seminary, Brooklyn, New York

برخی دانشگاه های دخترانه:

Agnes Scott College, Alverno College, Barnard College, Bay Path Univer-
sity, Bennett College for Women Brenau University, Brescia University
College Bryn Mawr College, Cedar Crest College, The College of New Ro-
chelle, College of Saint Benedict, College of Saint Elizabeth, College of Saint
Mary, Columbia College Converse College, Cottey College, Douglass Resi-
dential College of, Rutgers University, Hollins University, Judson Colleg

دلیل سوم

خانواده استحکام و پیداری



دکتر باربارا دی آنجلیس کارشناس مشهور خانواده در قسمتی از کتاب خود^۱، مطلبی مهم را یادآور می‌شود، این مطلب با نامه‌ای شروع شده که خانمی به او نگاشته است؛ «باربارای عزیز! همسر من یک عادت وحشتناک دارد، او با زنان دیگر خوش و بش می‌کند. این کار او واقعاً مرا عصبانی می‌کند، وقتی باهم هستیم، به زن‌ها نگاه می‌کند و با آن‌ها حرف می‌زند، وقتی به او اعتراض می‌کنم، همه چیز را انکار کرده و می‌گوید تو حسودی! رفتار او باعث می‌شود احساس نگرانی و ناامنی داشته باشم.»

دکتر دی آنجلیس این نگرانی را از حساسیت بیش از حد خانم‌ها نمی‌داند بلکه می‌گوید: «بی‌بندوباری، بزرگ‌ترین دشمن روابط خصوصی - با همسر - است و حتی مطمئن‌ترین و با اعتماد به نفس‌ترین زن‌ها را از لحاظ احساسی کاملاً به هم می‌ریزد.»

او همچنین می‌گوید:

«اگر آقایان می‌خواهند با همسر خود یک رابطه‌ی صمیمی و پرتب و تاب داشته باشند، باید همه‌ی توان، توجه و تعامل خود را، فقط و فقط وقف همسرشان کنند. شاید ارتباط آقایان با زنان دیگر در ابتدا تأثیری بر روابط با همسرشان نداشته باشد، اما به تدریج متوجه اثرات منفی آن می‌شوند که تمایل کمتری به همسر خود دارند و روابط احساسی آن‌ها کمرنگ‌تر شده است و در نهایت یک روز که از خواب بیدار می‌شوند، احساس می‌کنند که دیگر تمایلی به برقراری روابط جنسی با همسرشان ندارند. همه‌ی عشق و علاقه نسبت به همسرشان از بین رفته و زمانی متوجه این قضیه می‌شوند که خیلی دیر شده است. مشکل اینجاست که اکثر مردها متوجه نمی‌شوند چگونه انرژی مرموز و نامرئی اما قدرتمند روابط - با زنان دیگر - به تدریج زندگی خصوصی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بنابراین تصور می‌کنند تا وقتی با زنی رابطه‌ای جدی برقرار نکرده‌اند، به همسر خود وفادار بوده‌اند، اما باید بدانند که تأثیرات ناشی از کشش‌های ذهنیشان به مراتب قوی‌تر از عملکردهای جنسی و فیزیکی‌شان است.»

1. Barbara De Angelis, "What Women Want Men to Know", Sec. VIII.



دی آنجلیس خطاب به مردان می‌گوید:

«وقتی متوجه می‌شوید خانمی زیبا کنار شما نشسته، اگر ذهن شما درگیر شده و به او نگاه کنید و یا حتی در ذهن خود با او حرف بزنید، بدین معنی است که شما موقتاً تعهد خود نسبت به همسر و زندگی خود را فراموش کرده و سرمایه‌های وجودی خود را درجایی دیگر یعنی وجود آن زن غریبه صرف کرده‌اید. شاید شما از لحاظ فیزیکی کاری انجام نداده باشید، اما انگار از لحاظ ذهنی ایستاده‌اید، چند لحظه پیش آن خانم غریبه رفته و مجدداً به جای خود برگشته‌اید؛ به همین دلیل است که اکثر خانم‌ها از این گونه رفتارها و عادت‌های همسرشان بیزارند (مگر اینکه خودشان این‌گونه باشند)»

خب، همان‌طور که می‌دانید یکی از اساسی‌ترین اهداف ازدواج، **آرامش زن و مرد** در کنار یکدیگر است، به نظرتان عوامل آرامش‌بخش در خانواده باید تقویت شود یا تضعیف؟ اگر عاقلانه بخواهیم جواب دهیم، حتماً خواهیم گفت بله! باید تقویت شود. عقل مایه‌گوید باید عشق زن و مرد به یکدیگر، محبت و اطمینان آن‌ها به یکدیگر و... هر روز نسبت به روز قبل بیشتر شود؛ همچنین هر عاملی که موجب تضعیف عشق زن و مرد و سردی روابط آن‌ها گردد، باید از میان برداشته شود!

در اینکه شکی نیست؟

حالا به این دو حالت توجه کنید:

دختر خانم یا آقا پسری را تصور کنید که تا قبل از ازدواج، هیچگاه رابطه‌ای نامشروع حتی در حد یک دوستی نداشته‌اند، به عبارتی، قبل از ازدواج، به همسر آینده‌ی خود وفادار بوده‌اند، این‌ها وقتی خودشان را از ارتباطات نامشروع

با جنس مخالف محفوظ داشته‌اند، حساسی تشنه‌ی کسی می‌شوند که قرار است با او به آرامش برسند، وقتی





باهم ازدواج کنند، همدیگر را برای هم نعمت می دانند، قدر همدیگر را می دانند، تمام انرژی خود را برای هم خواهند گذاشت و...

حالا آقای سر و دختر خانمی را فرض کنید که چه در دبیرستان، چه در دانشگاه و... با دخترپسرهای متعددی دوست بوده اند، انواع و اقسام آدم ها را دیده اند و تجربه کرده اند.

تازه در دوستی های نامشروع؛ دختر و پسر، خود واقعی یکدیگر را نمی بینند، بلکه هر دو برای هم فیلم بازی می کنند، طوری وانمود می کنند که به قول شما خیلی شاخ هستند. کسی که قبل از ازدواج به خودش اجازه می داده با هرکسی دوست شود، آیا بعد از ازدواج متعهد می شود به همسرش **وفادار** بماند؟ با شخص دیگری



رابطه ای برقرار نکند؟ خب این می شود اول محدودیت، چون تا قبل از ازدواج آزاد بوده اند و راحت، هرکجا می خواستند می رفتند، با هرکه می خواستند، دوستی می کردند، حالا که ازدواج کرده اند باید فقط با یک نفر باشند و این قطعاً با هوا و هوسشان جور در نمی آید! بعد از ازدواج واقعیات همسر خود را با ویژگی های ظاهری و البته دروغین افراد دیگر مقایسه خواهند کرد، یک مثال ساده؛ بوی آشپزی همسر خودشان را با بوی عطر دوست دخترشان مقایسه خواهند کرد. بعد از ازدواج ظاهر ساده ی همسر خود را با صورت همیشه آرایش شده ی دوست دخترشان مقایسه می کنند و... همین طور است برای دختران: آن ها نیز محبت و عشق دروغین دوست پسرشان را با خستگی و بداخلاقی همسرشان مقایسه خواهند کرد!

شما بگویید، آقایی که در کوچه و خیابان، صدها زن را با آن همه جذابیت می بیند، می تواند در کنار همسر خود به آرامش برسد؟ یا خانمی که سر کلاس و یا در محیط کار، در معرض محبت و مهربانی دروغین مردان مختلف باشد، از بداخلاقی های همسر خود که گاهی اوقات طبیعی هم هست، چه احساسی خواهد داشت؟ زندگیشان ختم به خیر خواهد شد؟ یا سرانجام آن ها جدایی و طلاق خواهد بود؟



از سال ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۰ تحقیقاتی روی هفت هزار مرد و زن آمریکایی انجام گرفت^۱، یکبار افراد در سن ۱۸ سالگی بررسی شدند و یکبار دیگر، همان افراد در سن ۳۸ سالگی، این تحقیقات نشان داد افرادی که تا پیش از ازدواج پاکدامنی خود را حفظ کرده‌اند؛ نسبت به افرادی که قبل از ازدواج روابط آزاد داشته‌اند، پنجاه درصد کمتر در معرض طلاق قرار گرفته‌اند، همچنین میانگین درآمد آنها ۲۰ درصد بیشتر از دیگران بوده و در زمینه‌ی تحصیلی هم مدارج عالی‌تری کسب کرده‌اند!^۲

باید مجدداً بگویم، نتیجه‌ای را که امروز، موسسات تحقیقاتی در آمریکا گرفته‌اند، پیامبر مهربان ما ۱۴۰۰ سال پیش برایمان گفته بود، تازه بدون اینکه بخواهد وقت هفت هزار نفر را هم بگیرد!

پس، ازدواج در جامعه‌ی دوست‌دختر، دوست‌پسری، با روابط آزاد جنسی، آغاز محدودیت و محرومیت است، چون افراد باید بعد از ازدواج دوست‌های متعدد خود را کنار بگذارند و فقط به یک نفرو فادار باشند؛ و ازدواج در جامعه‌ای که روابط جنسی را به محیط خانواده محدود می‌کند، پایانی بر محرومیت و انتظار است و آغازی برای دوران شیرین زندگی. پوشش کامل، باعث می‌شود زن از نگاه‌های آلوده‌ی مردان هوس باز و گرفتار شدن به دام عشق‌های آزاد خیابانی محفوظ بماند و به زندگی و خانواده‌ی خود وفادار باشد. از طرف دیگر، رواج بی‌بندوباری، باعث می‌شود شوهران به جای توجه و محبت به همسرانشان، به دنبال لذت جویی از زنان آرایش کرده‌ی کوچه و بازار باشند و زنان نیز از جلوه‌گری و طنازی برای به دام انداختن مردان بیگانه، ترسی نداشته باشند و در نتیجه، عشق و علاقه بین همسران از بین رفته و باعث فروپاشی و سقوط خانواده شود.

شاید به همین دلیل است که دکتر باربارا دی‌آنجلیس، حتی نگاه به زنان غریبه را عامل تخریب زندگی می‌داند.

۱. Data from National Longitudinal Study of Youth from 1979 to 2000 Reginald Finger, MD, et al., "Association of Virginity at Age 18 with Educational, Economic, Social and Health Outcomes in Middle Adulthood," Journal of Adolescent and Family Health, Vol. 3, No. 4 (April 2005).

۲. برگرفته از کتاب «دختران به عفاف روی می‌آورند»، اثر وندی شلیت، ص ۴۲، دفتر نشر معارف، چاپ دهم.



خیانت و ارتباط آن با پوشش

اگر حتی بویی از خیانت در زندگی کسی پیچید، آن زندگی دیگر نمی تواند زندگی موفق و رضایت بخشی باشد، گرمای زندگی نیازمند تعهد و وفاداری زن و مرد به همدیگر است. وقتی زندگی بوی خیانت گرفت، احساس امنیت و آرامش از بین رفته و اضطراب و تنش جایگزین آن خواهد شد. شاید تابحال فکر می کردیم خیانت یعنی شخصی که همسر دارد با شخص دیگری رابطه ای نامشروع داشته باشد، اما اینطور نیست، پژوهشگران خانواده، خیانت را دارای مراحل و مراتبی از «نگاه» تا «هم بستری» می دانند. دکتر عباس پسندیده در کتاب «رضایت زنشویی» خود، مراتب مختلف خیانت را به این شکل بیان می کند:

۱ **خیانت دیداری:** نگاه کردن و داشتن پوششی نامناسب برای غیر همسر (چه مرد و چه زن):

«زن با حجاب، زیبایی های خود را فقط برای همسر قانونی و شرعی خود نگه می دارد؛ زن بی حجاب، همسر خود را از این حق انحصاری محروم می کند و همه ی مردان را با همسر خود در استفاده از این حق شریک می کند، اگرچه ظاهراً اعتراف نکند، اگرچه انکار نماید، اگرچه از این امر غافل باشد، اما عمل او همین را می گوید.»

۲ **خیانت گفتاری- شنیداری:** گفتگویی تحریک کننده با غیر از همسر و شنیدن آن.

۳ **خیانت لمسی:** دست دادن، تماس بدنی و...

۴ **خیانت قدمی:** حرکت و اقدام برای تحقق انواع دیگر خیانت.

۵ **خیانت بویایی:** استفاده از بوی خوش برای نامحرم.

۶ **خیانت قلبی:** عاشق شدن و دل بستن به غیر از همسر.

۷ **خیانت آمیزی:**



خانواده‌ی خوب، خانواده‌ای است که همسران در آن «کانون توجه» باشند و هیچ‌یک از دو طرف به چیزی جز آن نیندیشد، وقتی کسی جسمش در خانواده و کانون توجهش در بیرون است، این وضعیت، موجب ناسازگاری، بی‌مهری، بدزبانی و نارضایتی شده و سرور، شادمانی و آرامش خانواده را از بین می‌برد.

بد نیست بدانید طبق گزارش 'British Broadcasting Corporation'، ۴۲ درصد از انگلیسی‌ها، ۵۸ درصد از فرانسوی‌ها و ۳۶ درصد از آمریکایی‌ها در یک زمان با بیش از دو نفر، ارتباط خصوصی داشته‌اند، این نتیجه‌ی جامعه‌ای است که حاکمان آن فرهنگ برهنگی را ترویج داده‌اند.

خیلی از احکام اسلامی درباره‌ی محرم و نامحرم، درباره‌ی حجاب و... برای این است که زن و مرد در خانه‌ی خود به هم محبت داشته باشند. اگر فکر و ذهن زنان و مردان در بیرون از خانه به موج رنگین زنان و مردان نامحرم دیگر درگیر شد، آن وقت چگونه زن و شوهر می‌توانند برای هم جاذبه داشته باشند؟ جاذبه‌ای را که خدا برای ایجاد محبت قرار داده، میان زن و شوهر از بین خواهد رفت و در آن صورت حضرت یوسف هم که باشد بالاخره برای همسرش عادی خواهد شد، زلیخا هم که باشد بالاخره برای شوهرش عادی می‌شود و بیرون از خانواده دنبال ارضای خود خواهد گشت.

دلیل چہارم

شیفتہ زن و مرد
محدود بہ حیرم خانوادہ

هرکسی توانایی خاص خودش را دارد، یکی قدرت بدنی زیادی دارد، یکی هوش بالایی دارد، یکی پول بیشتری دارد و... مثلاً یک مامور راهور، قدرتی دارد به نام اعمال جرمه. آیا یک مامور راهور می‌تواند بدون هیچ قید و شرطی، از دم شروع کرده و همه را بدون هیچ دلیلی جرمه کند؟ نه! بلکه برای او قانون خاصی مشخص کرده‌اند و گفته‌اند هرکس از آیین‌نامه‌ی رانندگی تخلف کرد، جرمه‌اش کن. پس یک مامور راهور نمی‌تواند آزادانه همه را جرمه کند. یا یک فرد رزمی‌کار، آیا می‌تواند حرکات رزمی‌اش را در خیابان، روی هرکسی که از کنارش گذشت، اجرا کند؟ نه! بلکه باید برود باشگاه، و با هم‌رشته‌ای هایش، مبارزه کند. حالا بیاییم سر بحث خودمان، زن و مرد قدرتی خاص دارند؛ **«زن شکارچی است و مرد شکار»**؛ یعنی زن با قدرت زیبایی و جذابیت خود، دیگران را شکار می‌کند، مرد نیز در دام زیبایی زن افتاده و شکار او می‌شود. آیا می‌توانیم بگوییم هر زنی، می‌تواند هر که را دید با قدرت جذب خود شکار کند و هر مردی خودش را در دام شکار هر زنی بیاندازد؟ اگر زن هستیم، به این فکر کنیم که آیا دوست داریم همسرمان دلبسته به زنی دیگر باشد؟ و اگر مرد هستیم به این فکر کنیم که آیا دوست داریم دیگران به همسرمان نگاه بد داشته باشند؟ می‌گویند خودنمایی و جلوه‌گری یکی از نیازهای فطری زن‌هاست؛ غذا و خوراک هم یکی از نیازهاست، آیا می‌توانیم هر گیاهی را که دیدیم بخوریم؟ مثلاً هر نوع قارچی را می‌توان خورد؟ یا بعضی قارچ‌ها سمی‌اند؟ آیا می‌توانیم پشت سرهم ده لیوان آب بخوریم؟ خودنمایی و جلوه‌گری هم مثل قارچ می‌تواند سمی باشد، باید در جای خودش و در شرایط مناسب خودش بکار برود، اگر از ضابطه و قانون خود خارج شد، آن وقت مضر و آسیب‌زای می‌شود. اسلام برای قانون‌مند کردنِ جاذبه‌ی زنانگی و مردانگی، قانون حفظ حریم و حجاب را مشخص کرده است. مرد نباید به خودش اجازه دهد به حریم هر زنی وارد شده و به او نزدیک شود، زن نیز نمی‌تواند با جلوه‌گری، توجه دیگران را به خود جلب کند بلکه هر دو باید با حفظ حجاب و حفظ حریم، این جاذبه را محدود به حریم خانواده کنند.



دلیل پنجم

انیت بدیشت



امنیت، یکی از طبیعی‌ترین و ضروری‌ترین نیازهای انسان‌هاست. اگر امنیت از کسی گرفته شد، یعنی زندگی از او گرفته شده است. آبراهام هرولد مزلو^۱ روانشناس مشهور آمریکایی در کتاب «انگیزه و شخصیت» خود نیازهای اساسی انسان را در هرمی جای داده که دارای پنج طبقه است. طبقات پایین‌تر هرم، نیازهای حیاتی‌تر و ساده‌تر و طبقات بالاتر نیازهای پیچیده‌تر را نشان می‌دهند. نیازهای طبقه‌های بالاتر فقط وقتی تامین می‌شوند که نیازهای قبلی برطرف شده باشند. این هرم عبارت است از:

- ۱ نیازهای جسمانی
- ۲ نیازهای امنیتی
- ۳ نیازهای اجتماعی یا نیازهای تعلق‌پذیری و عشق
- ۴ نیازهای احترامی
- ۵ نیاز به خودشکوفایی

۱. Abraham Harold Maslow.



همچنین دکتر دی آنجلیس، یکی از سه اصل اساسی که همه‌ی زنان به آن نیازمندند را نیاز به احساس امنیت می‌داند.^۱ به نظر شما نوع پوشش چقدر می‌تواند در تامین احساس امنیت سهیم باشد؟

اگر انسان‌ها در زندگی روزانه‌ی خود، در کوچه و خیابان، در محل کار و تحصیل، احساس امنیت نکنند و همیشه در حالت ترس و دلهره باشند، چه تبعاتی برایشان خواهد داشت؟ بالاخره همیشه افرادی هستند که بخاطر نداشتن تربیت صحیح انسانی به دنبال فرصتی هستند تا از زنان سوءاستفاده‌های جنسی داشته باشند و به آنان بی‌حرمتی کنند. چنین اشخاصی، به سمت کدام دختران خواهند رفت؟ دخترانی که پوششی عقیفانه دارند؟ یا دخترانی که با ظاهری آنچنانی، خودشان را به رخ دیگران می‌کشند؟ در کلیپ زیر، خانم بازیگری یکبار با پوششی جذاب و یکبار با پوششی عقیفانه به خیابان می‌رود؛ به نوع رفتار آقایان با این خانم، در این دو حالت توجه کنید:

دخترانی که با وضع نامناسبی در جامعه حاضر می‌شوند، همیشه از آدم‌های چشم‌چران، حرف‌های زشت و متلک می‌شنوند، مورد مزاحمت آنان قرار می‌گیرند. نه امنیت جسمی دارند و نه امنیت



فکری! ولی در مقابل، خیلی کم دیده‌ایم که جوانی موتورسوار برای خانمی با پوششی کامل و عقیفانه مزاحمت ایجاد کند، به او متلک بگوید و حرف زشت بزند. البته شاید بگویید اگر کسی بخواهد تعرض کند، با حجاب و بی‌حجاب فرقی برایش ندارد، اما واقعاً این‌طور نیست، من یک سؤال می‌پرسم؟ ضرورت بستن کمربند ایمنی چیست؟ حتماً می‌گویید برای حفظ جان در مواقع خطر اما آیا کمربند ایمنی، به صورت صد درصد جان افراد را حفظ خواهد کرد؟ قطعاً نه! اما مهم این است که کمربند ایمنی، میزان زیادی از خطرات را کاهش می‌دهد.



۱. رازهایی درباره‌ی زنان، باربارا دی آنجلیس، ص ۱۹۴.



پوشش عفیفانه هم همین طور است، پوشش کامل کمک می‌کند؛ بانوان از خطرات بسیاری در امان بمانند. فکر می‌کنید چرا آمار تجاوز جنسی در اروپا و آمریکا اینقدر زیاد است؟

روزنامه «گاردین» طی گزارشی با عنوان:

Sexual assault is an epidemic

«تعرض جنسی در انگلستان همه گیر شده است»

به تحقیقی استناد می‌کند و نشان می‌دهد که در انگلستان از هر پنج زن، یکی در زمان دانشجویی، تعرض جنسی را تجربه کرده است؛

به نظر شما این فاجعه نیست که در کشوری پیشرفته و با این همه امکانات مادی، نیمی از آن جامعه که زنان هستند، امنیت جنسی ندارند؟ خودشان گزارش کرده‌اند که از هر پنج زن، یک زن تعرض جنسی را تجربه کرده است...! نگفته‌اند از هر پنج هزار زن یا از هر پانصد زن... گاردین در پایان می‌گوید: «افراد متجاوز از الکل به عنوان سلاحی برای ناتوان شدن قربانی و تجاوز به وی بهره می‌برند.» از اینجا معلوم می‌شود بحران جنسی در انگلستان، یک قضیه‌ی توافقی و با رضایت طرفین نیست، بلکه با اجبار و تجاوز همراه است.

اما نگاه مهربانانه‌ی اسلام را با زنان ببینید، امام علی (علیه السلام) نه امروز که همه مدعی دفاع از حقوق زنان هستند؛ بلکه صد سال پیش فرمودند:

زن مثل گل است^۲؛ یعنی باید نسبت به آن‌ها مثل گلی لطیف و ظریف رفتار کرد، ایشان فرمودند: زن پیشکار و خدمتکار خانه نیست، یعنی مردان نمی‌توانند کارهای سخت را به زن محول کنند. این است دفاع از حقوق زن.

1. the Guardian's, 2016/21/5.

۲. نامه‌ی ۳۱ نهج البلاغه.



آمار تعرض جنسی در آمریکا

مادرادامه آماری مختصر از بحران‌های جنسی در آمریکا آورده‌ایم. البته مایپیشرفت‌های مادی کشورهای غربی را نفی نمی‌کنیم؛ آن‌ها در علوم گوناگون مادی رشد و پیشرفت داشته‌اند، چون سختکوشی کرده‌اند، ما هم باید سعی کنیم مثل آنان سختکوش باشیم. ولی متأسفانه همین کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی در زمینه‌ی معنویات، خراب و ویران‌اند. آماری که در ادامه می‌خوانید توسط خود رسانه‌های آمریکایی بیان شده است.

«طبق گزارش نیویورک تایمز فقط در سال ۲۰۱۲، در حدود ۲۶۰۰۰ مرد و زن در ارتش آمریکا مورد تجاوز قرار گرفته‌اند.^۱ وزیر دفاع وقت ایالات متحده، در تاریخ ۲۰۱۴/۱/۵ گفته است: «تجاوزهای جنسی در ارتش آمریکا پنجاه درصد افزایش یافته.» این تجاوزها به حدی رسیده که اداره‌ای به نام اداره‌ی جلوگیری از تجاوزهای جنسی در ارتش این کشور ایجاد شده است.

«نود درصد زنان کارگر در رستوران‌ها و همچنین پنجاه درصد مردان کارگر مورد تجاوزهای جنسی مدیران رستوران‌ها قرار می‌گیرند.^۲

«هر دقیقه به یک زن آمریکایی تجاوز می‌شود. ۵۱٪ درصد زنان قربانی، سنی بین ۱۶ تا ۲۱ سال دارند.

«هر سال در حدود ۲۵۰۰۰ زن آمریکایی، از تجاوز جنسی بارداری می‌شوند.^۳

«سالیانه بیش از نود هزار مرد در آمریکا قربانی تجاوز می‌شوند^۴ که حدود نیمی از آن‌ها کمتر از ۱۵ سال سن دارند.^۵

1. farsnews.com/news/13931027000532.

2. dailymail.co.uk/news/article2783670-

3. Kilpatrick, DJ, Edmunds, CN and Seymour, A. 1992. "Rape in America: A Report to the Nation", Arlington, VA: National Victim Center.

4. Stewart, Felicia and Trussel, James. "Prevention of Pregnancy Resulting from Rape." American Journal of Preventive Medicine, 2000.

5. Tjaden and Thoennes, November 1998.

6. Population Information Program. "Population Reports: Ending Violence Against Women", 2000. Population Information Program, Center for Communications Programs. Johns





« در بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۰، هشتاد درصد از زنانی که قربانی تجاوز بوده‌اند به علت آسیب‌های ناشی از خشونت جنسی، به درمانگاه‌ها مراجعه کرده‌اند، عجیب‌تر اینکه از هر ده تجاوز، یکی، مسلحانه بوده است.^۱

« گزارش وحشتناک دیگری می‌گوید از هر پنج زن آمریکایی یک نفر و از هر ۷۱ مرد آمریکایی، یک نفر طعمه‌ی تجاوز می‌شود.^۲

« در بین دانشجویان کارشناسی نیز ۱۹ درصد زنان از زمان ورود به دانشگاه قربانی تجاوز شده‌اند.^۳

Hopkins School of Public Health and Center for Healthcare Gender Equity.

1. U.S. Department of Justice Office of Justice Programs Bureau of Justice Statistics Female Victims of Sexual Violence, 2010-1994, Michael Planty, Ph.D., and Lynn Langton, Ph.D., BJS Statistician, Christopher Krebs, Ph.D., Marcus Berzofsky, Dr.P.H., and Hope Smiley-McDonald, Ph.D., RTI International March 2013.
2. Black, M.C., Basile, K.C., Breiding, M.J., Smith, S.G., Walters, M.L., Merrick, M.T., Chen, J., & Stevens, M.R. (2011). The National Intimate Partner and Sexual Violence Survey (NISVS): 2010 Summary Report. Atlanta, GA: National Center for Injury Prevention and Control, Centers for Disease Control and Prevention.
3. Krebs CP, Linquist CH, Warner TD, Fisher BS, MartinSL. "College women's experiences with physically forced, alcohol- or other drug-enabled, and drug-facilitated sexual assault before and since entering college". Journal of American College Health, ;57 (6) :639-647 2009.



اگر در جامعه‌ای، ارزش‌های معنوی از بین بروند، آن وقت مردان ظالم و زورگو، با تکیه بر قدرت جسمانی خود، راه را برای تعرض به زنان باز می‌بینند. این آمار وحشتناک تنها گوشه‌ای از واقعیت‌های درون آمریکاست، ولی غول رسانه‌ای اجازه‌ی انتشار آن را نمی‌دهد تا من و شما فکر کنیم، آمریکا یک بهشت رویایی است.

این آمار را بگذارید کنار نگاه سخیفی که غربی‌ها به زن دارند؛ بد نیست بدانید تا همین قرن پیش، در غرب، زنان هیچ‌گونه جایگاه اجتماعی نداشتند، مثلاً نمی‌توانستند مالک اموال خودشان باشند، اموالشان در اختیار شوهرانشان بود، نمی‌توانستند رأی بدهند! نمی‌توانستند در اداره‌ی حکومت حضور داشته باشند و... ولی سیزده قرن پیش، اسلام، حقوق زنان را به رسمیت شناخت، از حق مالکیت زن دفاع کرد، اگر دیگر کشورهای دنیا صدسال است، حق اقتصادی زنان را پذیرفته‌اند، اسلام سیزده قرن پیش از حقوق اقتصادی زنان حمایت کرده بود.

به نظر شما چرا در آمریکا که خود مدعی حقوق بشر بوده و صدای این ادعا گوش عالم را کر کرده است؛ این چنین، مقام و ارزش زن که یکی از لطیف‌ترین آفریده‌های خداست، نادیده گرفته می‌شود؛ که از هر پنج زن یکی طعمه‌ی تجاوز شود؟ سیاستمداران غربی اینطور زن غربی را بدبخت کرده‌اند بعد تازه می‌گویند به زن مسلمان و زن ایرانی ظلم می‌شود، ادعا می‌کنند که حقوق زنان ایرانی رعایت نمی‌شود، البته همه‌ی حقوقی که آن‌ها برای زنان تصور می‌کنند، همین برهنگی، آرایش و خودنمایی است، وگرنه خودشان خوب می‌دانند زنان ایرانی بعد از انقلاب، حق زندگی پیدا کردند، حقوق اجتماعی پیدا کردند. تعداد دانشجویان زن، در دوران حکومت پهلوی بیشتر بوده، یا بعد از انقلاب؟ تعداد دانشجویان دختر نمره اولی، تعداد زنان ورزشکار، تعداد زنان پژوهشگر که در مراکز پزشکی و درمانی مشغول کار و تحقیق هستند، تعداد زنان مسئول که در اداره‌ی حکومت و کشور نقش دارند، در دوران حکومت پهلوی بیشتر بوده، یا بعد از انقلاب؟

امروز از جمله بهترین نویسندگان ما، بهترین دانشمندان ما، بهترین شخصیت‌های فرهنگی ما زنان بی‌شماری هستند که در جامعه فعال‌اند؛ این هنر انقلاب اسلامی بود، قبل از انقلاب بسیار کم بودند زنانی که توانسته باشند به رتبه‌های بالای علمی، ادبی، حتی ورزشی و... برسند، اما به لطف خدا امروز بسیار زیادند.





به یک نکته دقت کنید، ممکن است بگویید در ایران خودمان هم این تعرض‌ها اتفاق می‌افتد، ما منکر این نیستیم، ولی می‌گوییم اگر هم در ایران چنین اتفاقاتی رخ بدهد، در نتیجه‌ی پیروی از همان فرهنگ برهنگی است؛ اگر انسان شیطان‌صفتی بخواهد زنی را طعمه‌ی خود کند، انتخاب نخست او، خانمی است که خودش را عقیفانه پوشانده یا خانمی که خودش را هزار جور آراسته و به نمایش گذاشته؟ بسیاری از روابط جنسی نامشروع در ایران خودمان، نتیجه‌ی همین دوستی‌های دخترپسری است، خب این دوستی‌ها، سوغات فرهنگ غرب است یا فرهنگ اسلام؟ اسلام اگر چیزی را ممنوع کرده، برای جلوگیری از بروز همین آمارهای وحشتناک است. برای این است که از نابود شدن زندگی یک دختر معصوم در ابتدای جوانی خود جلوگیری کند.

جوامع مختلف برای نوع پوشش خود دوره دارند: یا به سمت **پوشش و پوشیدگی** بروند و یا به سمت **برهنگی و خودنمایی**؛ عقل می‌گوید از تجربه‌های دیگران استفاده کنیم و اشتباهات دیگران را تکرار نکنیم. اکنون که افسار شهوت در کشوری مثل آمریکا رها شده است، جامعه‌شان آن‌چنان به لجن کشیده شده که مردان شیطان‌صفت و هوس‌باز، بعد از زنان، حتی به پسران خردسال هم رحم نمی‌کنند و بعد از پسران، حیوانات بی‌زبان هم از این خشونت جنسی در امان نیستند. مشخص است که دلیل این همه خشونت در آمریکا، ولنگاری جنسی است.



حجاب می‌تواند یک حفاظ امن برای زن باشد. چادرها حرف می‌زنند! چادر به هرزه‌ها می‌گوید: حق ندارید طرف من بیایید، حق ندارید به من نگاه کنید؛ لباس‌های تنگ و چسبان هم حرف می‌زنند! ساپورت و مانتوی روباز هم حرف می‌زنند! ماتیک و رژ هم حرف می‌زنند! چطور دخترخانمی با وضعیتی زننده می‌تواند از جامعه انتظار امنیت داشته باشد، وقتی دارد با لباسش، آدم‌های هرزه را به سمت خود جذب می‌کند؟ یک دخترخانم با ظاهر آرایش‌کرده‌ی خود، در خیابان فقط و فقط آدم‌های هرزه را به سمت خود می‌کشاند، جوانان عاطل و باطل را! یک مشت آدم هوس باز و چشم‌چران را، وقتی خودمان را با پوششی مناسب و خوب بپوشانیم آن وقت، ارزشمان محفوظ می‌ماند و در تیررس مزاحمت‌ها قرار نمی‌گیریم.

این یک اصل مسلم است که وقتی پوشش بانوان نامناسب باشد، توجه به آنان از روی هوا و هوس و شهوت بوده و چنین شخصی، ارزش حقیقی خود را از دست می دهد و در جامعه به عروسی برای سرگرمی افراد هوس باز تبدیل می شود. به همین دلیل تازمانی که ظاهری زیبا دارد، مورد توجه ظاهری قرار می گیرد و هر زمان که این زیبایی از بین برود، مانند کالایی که تاریخ مصرفش تمام شده باشد، دیگر توجهی به آن نخواهد شد.

خانم وندی شلیت، در کتاب «دختران به عفاف روی می آورند» می گوید:

نوع پوشش یک زن جوان، بدون اینکه خودش متوجه باشد؛ می تواند او را به یک وسیله ی سرگرمی راه رونده برای مردان تبدیل کند و یا برعکس گاهی باعث می شود مردم به ویژگی های درونی او توجه کنند. بسیار دیده ام دختر نوجوانی در ایستگاه اتوبوس یا فروشگاه ایستاده است و با خوشحالی به جلو نگاه می کند، درحالی که یک پیرمرد از پشت سر به لباس های بدن نمای او خیره شده است، اگر با این دختر صحبت کنی، احتمالا می گوید: دارم با پوشش خود، شخصیتم را نشان می دهم، اما مردی که پشت سر اوست دقیقا برعکس این را می بیند، یعنی اجزای بدن او را.^۱

دین زیبای اسلام با ضروری دانستن پوشش، از اینکه زن بازپچه ی دست شهوت پرستان باشد و ارزشش طوری پایین بیاید که فقط وسیله ای برای لذت جویی باشد، جلوگیری کرده است. درواقع حجاب مثل پرده ای است که باعث شناخت زیبایی های اخلاقی و معنوی، قبل از زیبایی های جسمی، ظاهری و اندامی می شود. مگی، دختر بیست ساله ای از آمریکاست که مقاله ای را به نام «هنر عفت» نگاشته است، او در آغاز مقاله ی خود می گوید:

به آسانی نمی توان کاری کرد که دیگران به عقاید و ارزش های شما توجه کنند، اما اگر اجازه ندهید ظاهر شما را زیاد ببینند؛ مجبور می شوند توجه خود را به باطن شما معطوف کنند. من دامن هایی بلند و لباس هایی دکمه دار می پوشم تا این پیام را به دیگران بدهم که شخصیت من فقط در ظاهر خلاصه نمی شود.^۲

۱. «دختران به عفاف روی می آورند» اثر وندی شلیت، ص ۱۷۰، نشر معارف، چاپ دهم.

۲. همان، ص ۱۶۷.

دلیل ششم

پیشگیری از تخلفات قانونی

حالا که رابطه‌ی پوشش با امنیت در جامعه را متوجه شدیم باید به این نکته توجه کنیم که بسیاری از تخلّفات قانونی در نتیجه‌ی همین بی‌حجابی و بدحجابی در جامعه است، به این مثال توجه کنید:

دختر بدحجاب، گاهی تحت فشار جوانانی بی‌پروا قرار گرفته و طعمه‌ی دست آن‌ها می‌شود، او را مورد تجاوز قرار داده و شرافت و احترام او را از بین می‌برند، در نتیجه این دختر از راه نامشروع باردار می‌شود و برای حفظ آبرو، مجبور به سقط جنین می‌شود، اسقاط جنین (کورتاژ) و قطعه‌قطعه کردن آن با وسیله‌های گوناگون یکی از نتیجه‌های ترویج برهنگی و شهوت‌رانی در جامعه است.



از سال ۱۹۷۳ تا سال ۲۰۱۳، حدود ۵۰ میلیون سقط جنین در آمریکا اتفاق افتاده^۱ که تازه این پنجاه میلیون بصورت رسمی سقط جنین کرده‌اند، غیررسمی‌ها و پنهانی‌ها هم به کنار. نیمی از سقط جنین‌ها در آمریکا، از سوی کسانی است که اصلاً ازدواجی نکرده‌اند!^۲

و حدود یک پنجم سقط جنین‌ها از طرف دختران نوجوان آمریکایی است.^۳ خب چرا؟ این چه داستان غمناک و دردناکی است؟ جنین زنده است! انسان است! درد می‌کشد! از دیگر نتایج برهنگی و بدحجابی می‌توان به طلاق، فرار از خانه، تجاوز به عنف، آدم‌ربایی، گسترش بیماری‌های مقاربتی، حوادث رانندگی و حتی قتل نام برد که اگر بخواهیم برای آن‌ها هم آمار ذکر کنیم باید صفحات کتاب را چند برابر کنیم.

1. "Facts on Induced Abortion in the United States". Guttmacher Institute. July 2013. Retrieved 25 sep 2014. (http://www.guttmacher.org/pubs/fb_induced_abortion.html).
2. Jones RK and Kavanaugh ML, Changes in abortion rates between 2000 and 2008 and lifetime incidence of abortion, *Obstetrics & Gynecology*, 1366-1358:(6)117, 2011.
3. Jones RK, Finer LB and Singh S, *Characteristics of U.S. Abortion Patients*, 2008, New York: Guttmacher Institute, 2010.

دلیل ہفتم

ارزشیہ حفاظتیہ



عقل می‌گوید هر چیزی، هر چه ارزشمندتر باشد، باید محفوظ‌تر بماند؛ مثلاً چرا هزار نیروی امنیتی، از فلان رئیس‌جمهور دنیا محافظت می‌کنند؟ آیا با این حفاظت، او را محدود می‌کنند؟ نه! اتفاقاً با این کار به او آزادی می‌بخشند تا بتواند بدون مزاحمت و خطر به وظیفه‌ی اصلی‌اش که اداره‌ی کشور است، بپردازد! می‌گوییم این دلیل ماعقلی است، یعنی نیازی نیست برویم به دفتر آن رئیس‌جمهور یاد بدهیم که باید از شخص رئیس‌جمهور محافظت کنید! نه! خودشان عقلاً این را می‌دانند! چون رئیس‌جمهور با بقیه فرق دارد! شرایط او ایجاب می‌کند که در حفاظت سنگین نیروهای امنیتی باشد.

می‌گویند روزی جوانی انگلیسی، به جوانی ایرانی گفت؛ شما این قدر به خودتان شک دارید که در دین شما نباید پسری به دختری حتی دست بدهد؟ این قدر نمی‌توانید شهوت خودتان را کنترل کنید؟ آقا پسر ایرانی جواب می‌دهد که آیا شما می‌توانید با ملکه‌ی انگلیس دست بدهید؟ او می‌گوید نه! او ملکه است، کسی جز شاهزادگان حق ارتباط با او را ندارد! او بزرگ کشور ماست! جوان مسلمان می‌گوید: ما همه‌ی زنان و دختران خود را ملکه می‌دانیم، برای همه‌ی آن‌ها ارزش قائلیم! همه‌ی آن‌ها را بزرگ می‌دانیم، نه فقط یکی را که شاهزاده باشد! و کسی جز همسر و محارم یک دختر حق ندارند حتی با او دست بدهند.

زن مظهر زیبایی است، هنر خدای متعال در آفرینش زن، تجلی پیدا کرده است. طبیعتاً آسیب‌پذیری زن از مرد خیلی بیشتر است، اسلام می‌گوید با پوششی سرتاسری و عقیفانه خودتان را بپوشانید تا از خطرات و آسیب‌ها در امان باشید.

دلیل هشتم

اجتماعی آزادی



ما می‌گوییم آزادی عمل هر فردی تا جایی است که مزاحم آزادی دیگران نشود. همین جوامع غربی را ببینید، دولت‌هایشان که هیچ‌گونه پابندی به دین ندارند، قوانین مفصلی برای جامعه وضع کرده‌اند. مثلاً می‌گویند رانندگی در خیابان فلان محدودیت‌ها را دارد، در این خیابان می‌توانید بوق بزنید، جلوی بیمارستان که رسیدید حق بوق زدن ندارید! در این جاده می‌توانید با سرعت ۱۲۰ کیلومتر بر ساعت برانید، در آن جاده هفتاد به بالا، سرعت غیر مجاز است. این خیابان ورود ممنوع است، نمی‌توانی بروی، آن خیابان دوطرفه است، می‌توانی بروی! خب چرا برای راننده‌ها قانون مشخص می‌کنند؟ یا محدوده تعیین می‌کنند؟ چرا راننده‌ها را آزاد نمی‌گذارند تا هر کس هر جور بخواهد، با هر سرعتی که دوست دارد رانندگی کند؟ یعنی راننده‌ها عقل ندارند؟ یعنی صلاح خودشان را تشخیص نمی‌دهند؟ چرا! هم عقل دارند و هم می‌توانند صلاح خودشان را تشخیص دهند اما مسئولین، این قوانین و محدودیت‌ها را مشخص می‌کنند چون می‌خواهند جامعه دچار هرج و مرج و اختلال نشود. حقوق دیگران بابتی دقتی برخی راننده‌ها پایمال نشود.

حالا همین دولت‌های غربی که تقی‌دی به هیچ دینی ندارند! که حتی برای کوچکترین مسائل زندگی هم قانون مشخص می‌کنند، وقتی به مسئله‌ی زن و زیبایی او می‌رسند؛ چون می‌خواهند از زن سوءاستفاده کنند، می‌گویند آزاد باشید، آزاد بیرون بیایید، هر طور می‌خواهید لباس بپوشید و... این‌ها چون به زن، فقط به عنوان یک کالا نگاه می‌کنند برای او محدوده‌ای مشخص نمی‌کنند، زن را بی‌هیچ قیدوبندی به جامعه می‌کشانند تا بتوانند از او استفاده ببرند! و البته فریاد آزادی سر می‌دهند و متأسفانه زن ساده‌لوح غربی فریب این فریاد دروغین را خورده و به نام آزادی خودش را تمام‌قد در اختیار هر مردی می‌گذارد. نمونه‌اش همین آقای ترامپ؛ تا کنون، ده‌ها زن از او بابت تعرض جنسی شکایت کرده‌اند. چنین شخصی رئیس مردم آمریکاست. خیلی تأسف خوردم، وقتی جایی دیدم نوشته‌اند فلان بازیگر زن هالیوودی، از سوی فلان شخص به چند صد هزار دلار برای یک شب اجاره شد! زن را اجاره می‌کنند؟ مظهر زیبایی آفرینش را اجاره می‌کنند؟ یا خانه را؟ یا وسیله را؟ اصلاً در اروپا یک صنعتی شکل گرفته است برای



ساختن فیلم‌های مستهجن؛ یک عده آدم هرزه می‌آیند پول می‌گیرند تا جلوی دوربین خودشان را در اختیار مردان بگذارند! این است عظمت زن اروپایی؟ این است احقاق حقوق زن؟ شاید در آینده‌ای نه‌چندان دور، زنان اروپایی متوجه شوند، دولت‌هایشان چه بلایی بر سر آن‌ها و فرهنگ آن‌ها آورده‌اند.

اجزه رهید همنجا پرستی هم را طرح کنیم
قبل از آن می‌برسیم به تاریخ صد سال افروخته‌امار بلویم؛

« آمریکا و انگلیس بزرگترین پشتیبانان مالی و تسلیحاتی صدام برای حمله به ایران بودند، حمله‌ای که هشت سال طول کشید و جان ۲۳۰ هزار جوان ایرانی را گرفت.

« آمریکا برای اولین بار با استفاده از بمب اتمی دو شهر ناکازاکی و هیروشیما را هدف قرار داد که بر اثر آن فقط در یک ثانیه، ۲۲۰ هزار انسان جان باختند.

« بی‌رحم‌ترین گروه‌های تروریستی مثل داعش توسط آمریکا ایجاد شدند و در همین چند سال گذشته، هزاران نفر از مردم مسلمان کشورهای همسایه را به وحشیانه‌ترین شکل ممکن، به قتل رسانده و کشورشان را ویران کردند که اگر نبود جان‌فشانی‌های مدافعان حرم در خارج از کشور، قطعاً ما نیز قربانی همان بی‌رحمی‌های داعشی بودیم.

« آمریکا و انگلیس بزرگترین غارتگران نفت ایران و کشورهای همسایه‌ی ایران بودند، شاید باور





نکنید ولی همین امروز نیز آمریکایی‌ها روزانه مقادیر زیادی نفت را از عراق، سوریه و افغانستان دزدی و غارت می‌کنند.

« دقیقاً صدسال پیش، ایران عزیز ما، حدود بیست میلیون جمعیت داشت، که انگلیسی‌ها با ایجاد قحطی و گرسنگی در ایران، جان ۸ میلیون ایرانی معادل نیمی از کل جمعیت ایران را گرفته و نسل‌کشی بزرگی به راه انداختند. فیلم سینمایی یتیم خانه‌ی ایران به همین موضوع پرداخته است.

« از شروع حمله‌ی نظامی عربستان سعودی به یمن که با حمایت مستقیم آمریکا و متحدانش روبروست، هزاران نفر از مردم بی‌گناه یمن به کام مرگ کشیده شده‌اند و قحطی بزرگی در این کشور ایجاد شده است.



این چند خط تنها گوشه‌ای از جنایات آمریکا و انگلیس و هم‌پیمانانشان در صدسال گذشته است.

حالا یک پرسش؛ همین آمریکا و همین انگلیس که از بدو شکل‌گیری تاکنون، میلیون‌ها انسان بی‌گناه را کشته‌اند، امروز مدعی حقوق زنان در کشورهای اسلامی هستند، از نظر غربی‌ها کشتن میلیون‌ها انسان بی‌گناه، خلاف حقوق بشر نیست، ولی حجاب خلاف حقوق بشر است، تمام تلاششان را می‌کنند تا حجاب را از سر زنان مسلمان بردارند و برهنگی را برایشان، یک ارزش و یک باکلاسی جلوه دهند. همین‌ها روزانه حجم زیادی از فیلم‌های مستهجن را بصورت کاملاً رایگان به فضای رسانه‌ای کشورهای اسلامی تزریق می‌کنند. به نظرتان چرا؟ صدها کانال، پیج، و شبکه‌ی ماهواره‌ای با حمایت مستقیم و غیرمستقیم کشورهای غربی در حال ترویج فساد و بی‌بندوباری‌اند. به چه دلیل؟ در اینکه جوانان ما درگیر فساد و شهوت باشند، چه سودی نهفته است که اینقدر برای آن هزینه می‌کنند؟ وقتی بی‌بندوباری ترویج شد، بنیان خانواده‌ها سست می‌شود، چون افراد برای پاسخگویی به نیازهای خود جایی غیر از خانواده را انتخاب می‌کنند. و وقتی خانواده سست شد، چگونه می‌توانیم از این خانواده انتظار تربیت جوانی را داشته باشیم که بخواهد به رشد و پیشرفت جامعه کمک کند؟

بگذریم، وقتی می‌گوییم پوشش نامناسب، آزادی اجتماعی را از بین می‌برد؛ بعضی دخترخانم‌ها می‌گویند به پسران یاد بدهید، چشمشان را حفظ کنند و به ما نگاه نکنند! کسانی که این حرف را می‌زنند به این دلیل است که شناخت خوبی از مردان ندارند. دکتر شانتی فلدهان می‌گوید:

«همه‌ی ما می‌دانیم که مردان به برقراری رابطه‌ی جنسی می‌اندیشند و این یکی از خصوصیت‌های بیولوژیکی مردان است، در واقع مردان در اصل طبیعت اینگونه طراحی گردیده‌اند.»^۱ یعنی درواقع خصوصیت طبیعی مرد این است. همان طور که خصوصیت طبیعی زن، عاطفی بودن است. شاید بگویید کسی که بخواهد چشم‌چرانی کند، اصلاً آدم نیست و نباید توجهی به او کرد، اما باید قبول کنیم که واقعیت جامعه این است و هستند افرادی که تربیت مناسبی ندارند. شما نمی‌توانید بگویید دزدی کار بدی است، کسی نباید دزدی کند و دزدها باید خودشان را کنترل کنند؛ پس من خودروی خودم را قفل نخواهم کرد. بله که دزدی کار بدی است اما به هر حال تعداد کمی از افراد دزد هستند، پس شما وظیفه‌دارید امنیت خودروی خود را حفظ کنید.



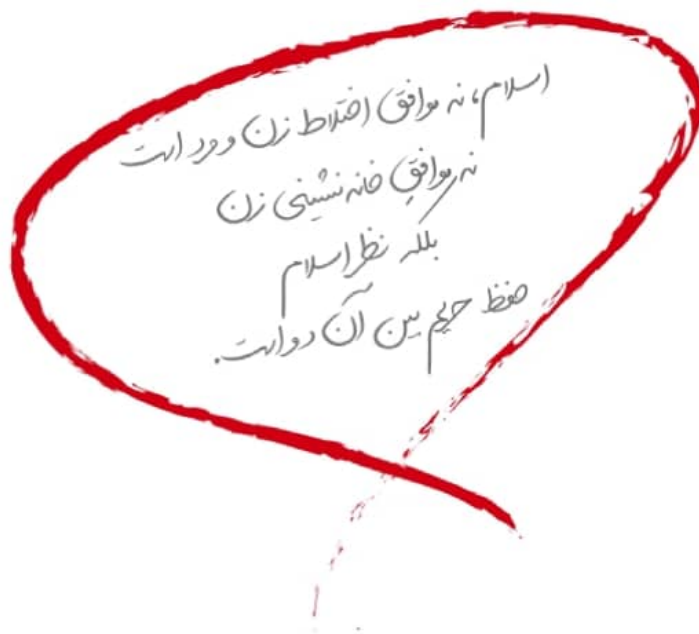
همین‌طور است برای موضوع نگاه نامحرم و حفظ پوشش. این‌که بگویی چشم‌ت را ببند و به من نگاه نکن مثل این است که آلودگی صوتی ایجاد کنی و بگویی شما گوش نکن، در گوش‌هایت را بگیر. مثل این است که

زباله‌ات را بگذاری جای مناسب و به همسایه‌ها بگویی شما بو نکن! در یک فضای اجتماعی افراد آن جامعه نسبت به همدیگر مسئول‌اند، یعنی آقایان درباره‌ی خانم‌ها یک سری وظایفی دارند و همچنین خانم‌ها در مقابل آقایان یک سری وظایف.

1. Shaunti Feldhahn, For men only (a straight forward guide the inner lives of women), Sec. VI.



نه یک پسر می تواند بگوید من دوست دارم چشم چرانی کنم؛ هرکس نمی خواهد خودش را بپوشاند و نه یک دختر می تواند بگوید من خودم را نمی پوشانم، پسرها چشمشان را کنترل کنند، این دو وظیفه در کنار هم قرار دارند. خانم ها توجه داشته باشند، افراد وقتی در فضایی شهوانی قرار بگیرند، عقلشان به شدت تحت تأثیر شهوتشان قرار می گیرد و در فضای غیرعادی، غیرمعقول عمل می کنند. علت اینکه می بینید آمار خشونت جنسی در کشورهای غربی آن هم با مصرف الکل و حمل اسلحه این چنین بالاست، همین است...! یادمان نرود، اسلام با حضور زن در اجتماع البته با رعایت حدود عقلی و شرعی موافق است که حتی برای کوشش و تحصیل علم او پاداش مشخص کرده است؛ اما همین اسلام می گوید برای اینکه جامعه استوار باشد و محکم، جذابیت های جنسی را به جامعه نکشانید و در خانه محدود کنید.



دلیل نهم

رومایه در خانه



حفظ ارزش و قداست زن، به محفوظ بودن اوست، به اینکه همه جا و برای هرکس در دسترس نباشد، به این است که اجازه ندهد هیچ‌کسی جز همسرش از گوهر زیبایی او استفاده کند، حتی در حد یک نگاه!

شکی نیست که زن‌ها دوست دارند برای مردانشان دلبری کنند، جلوه‌گری کنند، طنازی کنند.

ویل دورانت می‌گوید: «زن وقتی زنده است که معشوق باشد، توجه به او مایه‌ی حیات اوست»^۱، بنابراین یکی از خواسته‌های جدی زن این است که محبوب همسر خود باشد و شوهرش به او عشق بورزد^۲، چه بسیارند زنانی که بخاطر بی‌توجهی همسران خود، زندگی به کامشان تلخ شده و دنبال راهی برای اصلاح این وضعیت هستند؛ زنانی که در جامعه با پوششی عقیفانه حضور پیدا می‌کنند، هرروز وقتی به خانه می‌آیند جلوی همسر خود رونمایی می‌شوند. زن، با چادر، به همسرش می‌گوید که من فقط و فقط به تو تعلق دارم، من منحصرأ برای تو هستم، زیبایی من فقط برای چشمان توست! نه برای هرکس و ناکسی، نه برای همکاران نامحرم، نه برای همکلاسی‌های نامحرم، نه برای مردان فامیل...! مردها وقتی چنین پیامی را از همسر خود دریافت کنند، غالباً مقابله به مثل خواهند کرد؛ وفادار باقی خواهند ماند، قلبشان در مقابل همسر، مهربان‌تر و نرم‌تر خواهد شد.

۱. ویل دورانت، لذات فلسفه، عباس زریاب، ص ۱۳۵.

۲. حجاب و نقش آن در سلامت روان، عباس رجبی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ ششم، صفحه ۱۰۲.



دلیل دهم

حجاب عال حفظ حیا



به اطرافیان‌تان نگاه کنید! آیا تا به حال دقت کرده‌اید که در برخی از افراد، صفتی نمایان است که آن‌ها را از دیگران متمایز می‌سازد، چهره‌شان را جذاب‌تر و رفتارشان را دلنشین‌تر می‌کند؟ نوع نگاه‌هایشان متمایز از دیگران است، گویش و کلام‌شان بسیار زیباست، در برابر محرک‌های محیطی هر واکنشی را از خود منعکس نمی‌سازند و بسیاری از رفتارهایی را که برای اکثریت مردم، رفتاری عادی تلقی می‌گردد، به دلایلی انجام نمی‌دهند. در مواجهه با آنان به خود اجازه نمی‌دهیم هرگونه رفتاری داشته باشیم، گویا هاله‌ای محیط اطرافشان را فراگرفته است که آنان را از برخوردهای ناشایست و نامناسب افراد کم‌توجه ایمن می‌دارد.

در حضور چنین افرادی می‌کوشیم تا اندازه‌ی ممکن مثل خودشان رفتار کنیم و کاملاً مراقب رفتار خود باشیم؛ مراقبتی که در عین حال، آرامش ما را در پی خواهد داشت و از بودن در این موقعیت و فضالذت خواهیم برد، برخورد با این‌گونه افراد، ما را به یاد اصلی عمیق در فطرت‌مان می‌اندازد، اصلی به نام حیا.^۱

حیا، انسان را از پلیدی‌ها و زشتی‌ها دور می‌کند، فرد با حیا سعی می‌کند کارهایی که دین، عقل و یا فرهنگ آن را نادرست می‌داند، انجام ندهد؛ مثلاً انسانی که چنین ویژگی زیبایی دارد، به خود اجازه نمی‌دهد هر حرفی را بر زبان آورد؛ به خود اجازه نمی‌دهد در هر مکانی حضور یابد؛ به خود اجازه‌ی انجام هرکاری را نمی‌دهد و برای خود و شخصیت خود ارزش و احترام قائل است؛ در مقابل، افراد بی‌حیا برای گفته‌ها و کارهای خود محدوده‌ای قائل نیستند و برایشان مهم نیست مردم درباره‌ی آنها چه می‌گویند؛ زبانشان دریده و تند است، از انجام کارهای ناپسند و زشت هراسی ندارند. برای نمونه کسی که بی‌حیاست خیلی راحت به همسر یا پدر و مادر خود توهین می‌کند. حیا، به عنوان اصلی فطری در همه‌ی انسان‌ها وجود دارد، البته اگر دستکاری نشده باشد، زنان حیای بیشتری نسبت به مردان دارند. محققین می‌گویند شدت شهوت زن نه برابر مرد است و حیا به عنوان یک نیروی مهارکننده‌ی شهوت در وجود زن چند برابر از مرد نمایان شده است.

دکتر عباس پسندیده در کتاب فرهنگ حیا به کمک روایات، حیا را به ده قسمت تقسیم

۱. برگرفته از کتاب حیا نوشته‌ی امیرحسین بانکی پور، انتشارات حدیث راه عشق.



می‌کند که نه بخش آن در زنان و یک بخش آن در مردان است. این نه قسمت مثل لایه‌های محافظتی هستند که وظیفه‌ی حفظ عفت و پاکدامنی زن را دارند. باید توجه داشته باشیم این لایه‌های نه‌گانه در طول زندگی، دچار تغییر و تحول می‌شوند، این تغییر و تحول شامل چهار مرحله است:

۱ عادت ماهیانه ۲ عقد و نامزدی ۳ عروسی ۴ بارداری

با گذر زمان، لایه‌ای از لایه‌های نه‌گانه‌ی حیا و شرم زن برطرف می‌شود. دخترخانم‌ها تا قبل از بلوغ، عقد و نامزدی، معمولاً از همه‌ی لایه‌های نه‌گانه‌ی حیا بهره‌مند هستند؛ اولین ایستگاه که یکی از لایه‌های حیا در آن برطرف می‌شود، شروع عادت ماهیانه است، آغاز عادت ماهیانه با خجالت و شرم روبروست؛ اما تکرار این تجربه، شرم آن را می‌برد و آن را عادی می‌کند.

دومین ایستگاه هنگام عقد و آغاز دوران نامزدی است، دختران در این مرحله معمولاً یکی از سنگین‌ترین شرم‌ها را تحمل می‌کنند، هنگام خواستگاری به شدت شرمگین می‌شوند، وقتی کسی نظرشان را در مورد داماد بپرسد، سکوت می‌کنند و سرشان را پایین می‌اندازند. در لحظات آغازین عقد و نامزدی، دخترخانم احساس می‌کند چیزی درون او، در حال ذوب شدن است، این، همان برطرف شدن لایه‌ی دوم حیا است که بعد از آن رفتار او روان‌تر شده و می‌تواند برخورد راحت‌تر و بازتری با همسر خود داشته باشد.

سومین ایستگاه، هنگام عروسی و آغاز روابط جنسی است که این مرحله نیز، شرم خاص خود را دارد و در چهارمین ایستگاه که همان دوران بارداری است، چهارمین لایه‌ی حیا و شرم زن فرومی‌ریزد. معمولاً اولین تجربه‌ی بارداری، فشار روانی زیادی بر زن وارد خواهد کرد.

به نظر شما آیا برطرف شدن این لایه‌های چهارگانه‌ی حیا و شرم، زن را فاسد و بی‌حیا می‌کند؟ برای یافتن پاسخ این سؤال، باید ببینیم بعد از برطرف شدن لایه‌های





چهارگانه‌ی حیا، چه کارهایی برای زن آسان‌تر می‌شود. تحقیقات نشان داده که پشت سر گذاشتن این چهار مرحله، موجب آسان شدن روابط و تعاملات جنسی زن با همسر خود می‌گردد، این نشان می‌دهد، حیا‌های برطرف شده، حیا‌هایی بوده‌اند که راه روابط نامشروع را قبل از یک ازدواج شرعی می‌بسته‌اند و بعد از ازدواج کنار می‌روند تا زن و مرد بتوانند رابطه‌ی آسان‌تری باهم داشته باشند، مثل اینکه مأموریت آن‌ها به اتمام رسیده باشد، در حقیقت مأموریت این لایه‌های چهارگانه، همراهی و بدرقه کردن عفت و پاک‌دامنی زن تا خانه‌ی همسر است و پس از آن، وجود این لایه‌های حفاظتی مزاحم خواهد بود. به همین دلیل، در چند مرحله (نامزدی، عروسی و بارداری) از میان خواهند رفت و امکان روابط خصوصی روان را برای زن و شوهر فراهم می‌کند.

خب! در اول این فصل گفتیم حیا نه قسمت است و در ادامه توضیح دادیم که چگونه چهار قسمت از آن، به مرور زمان برطرف خواهد شد. می‌ماند پنج قسمت دیگر، اگر قسمت‌های باقیمانده‌ی حیا کاهش پیدا کنند، انسان به سمت فساد، ناپاکی و روابط نامشروع کشیده خواهد شد. چهار لایه‌ی اول، مربوط می‌شدند به ارتباط با همسر خود که باید برطرف می‌شدند، ولی قسمت‌های باقیمانده مربوط می‌شود به حفظ پاک‌دامنی زن در مقابل روابط نامشروع که باید محفوظ بمانند.



نکته‌ی مهم و قابل تأمل این است که؛ ترویج و عادی‌سازی بی‌حیایی در زنان، بیشتر از سوی مردان انجام می‌گردد تا بتوانند با از بین بردن این لایه‌های حفاظتی، بهتر، زودتر و آسان‌تر به اهداف پلید و شوم خود برسند. حالا نگاه کنید به افرادی که با برخی

رفتارهای نادرست، مانند ارتباط و دوستی نامشروع با جنس مخالف، تماشای فیلم‌های مستهجن و حتی فیلم‌های داستانی، اختلاط با نامحرم و... روند مرحله‌ای حیا خود را دستخوش تغییرات منفی می‌کنند. این‌ها غالباً در زندگی زناشویی دچار مشکلات

فراوان و اختلافات بسیار با همسر خود می‌گردد. اگر خواستید این قضیه را لمس کنید، سری به دادگستری‌ها بزنید و جویای علت طلاق‌ها شوید!

نوع پوشش، می‌تواند تأثیر زیادی در حفظ و تقویت گوهر حیا و یا نابودی آن داشته باشد. این اصل، تنها به خانم‌ها مربوط نمی‌شود، بلکه آقایان نیز، هرچقدر پوشیده‌تر باشند، از حیای بیشتری برخوردار خواهند بود. رابطه‌ی حیا و پوشش مانند رابطه‌ی شاخ و برگ با ریشه‌ی درخت است. ریشه‌ی درخت موجب به وجود آمدن شاخ و برگ و شاخ و برگ موجب محکم شدن ریشه می‌شود، حیا، نیاز به پوشش را در وجود شخص، پدیدار می‌کند و همچنین پوشش و حجاب موجب تقویت و استحکام حیا می‌شود.

با این توضیحات، اگر کسی گفت من حجاب نمی‌خواهم، دل باید پاک باشد، می‌گوییم، وقتی حجاب نباشد، حیا از بین خواهد رفت و از فرد بی حیا، هر کار ناپسند و زشتی ممکن است سر بزند، در نتیجه دل هم پاک نخواهد ماند.

چگونه گوهر حیا را در وجود خود تقویت کنیم؟

اول باید ببینیم حیا باعث می‌شود انسان چه رفتارهایی داشته باشد، بعد، باید آن مجموعه رفتارها را دائماً انجام داده و سعی در مداومت بر آن داشته باشیم، مثلاً حیا باعث می‌شود؛ شخص خود را کاملاً بیوشاند، حالا همین‌که خودمان را کاملاً بیوشانیم، باعث تقویت ملکه‌ی حیا در وجود ما می‌شود، یا اینکه حیا باعث می‌شود انسان هر حرفی را بر زبان نیاورده و مواظب نوع سخن گفتن خود باشد، حالا همین‌که از گفتار و زبانمان مواظبت و مراقبت کنیم، همین باعث تقویت گوهر حیا در وجود ما می‌شود.

دلیل یازدهم

حجاب عال حفظ غفیرت

به صورت فطری و طبیعی، صفتی در انسان‌ها نمایان است به نام غیرت. به وسیله‌ی این صفت، انسان تلاش می‌کند از اموری دفاع کند و همچنین آن را از گزند مزاحمت دیگران حفظ کند، امور ناپسند را تغییر داده و در نتیجه زشتی‌ها و ناپسندی‌ها را دفع و خوبی‌ها را تقویت کند. غیرت، با توجه به نوع تربیت، سلیقه، محیط و... در انسان‌ها متفاوت است، گاهی به صورت مثبت و گاهی به صورت منفی نمایان می‌شود؛ مثلاً در غیرت ملی، انسان‌ها سعی می‌کنند از مملکت، کشور و ملیت خود دفاع کنند و همچنین اجازه نمی‌دهند کسی به ملیت آن‌ها توهین و تعرض کند، حالا چه تعرض نظامی، چه تعرض زبانی و...



یکی از انواع غیرت، غیرت دینی است. بر اساس غیرت دینی، انسان از مقدسات خود دفاع می‌کند و در صورتی که کسی به مقدساتش توهین کند، برآشفته خواهد شد. یکی دیگر از انواع غیرت، مربوط می‌شود به حریم خانواده، درواقع غیرت، حسی درونی است که برای

محافظت از حریم خانواده در وجود مرد نهاده شده است، مرد با همین صفت غیرت، ناموس خود را از دسترس لذت‌جویی دیگران و نگاه‌های آلوده دور می‌کند و همسر خود را تنها در انحصار خود نگه می‌دارد.

بجاست توجه کنیم که در وجود زن احساسی نهفته است به این صورت که نیاز دارد کسی حامی و دلگرمی او باشد، این نیاز زن با همان صفت غیرت که در وجود مرد است، پاسخ داده می‌شود، دکتر جان گری، پژوهشگر انگلیسی می‌گوید: «زن زمانی احساس آرامش خواهد کرد که احساس کند تسلیم کسی است که می‌تواند به او اعتماد کند و آن‌کس او را حمایت می‌کند و به او اهمیت می‌دهد، این نیاز درونی و واقعی زن است. زمانی که این جنبه‌ی زن رشد پیدا کرد، می‌تواند جنبه‌ی عاشقانه و محبت‌آمیز طبیعتش را احساس



و بیان کند.^۱ «جان گری همچنین می‌گوید: «اگر زن حمایتی را که نیاز دارد دریافت نکند... سخت‌گیر، خودرأی و غیرقابل اعتماد می‌شود.»^۲ البته منظور ما از غیرت، غیرت منفی و نابجا نیست، بلکه منظورمان، غیرت بجا و به موقع است، مثل اینکه مردی، همسر خود را بدون دلیل از حضور در اجتماع، تحصیل علم و... منع کند، این غیرت بیجاست و پیامدهای منفی بسیاری خواهد داشت. اگر صفت غیرت درون مردی بمیرد، مزاحمان شیطان صفت، به سادگی می‌توانند برای ناموس او مزاحمت ایجاد کنند و کسی نیست که به طور ویژه از آن زن دفاع کند، مزاحمتی که می‌تواند، شرایط خطرناکی را برای زن پدید آورد. دکتر شانتی فلدهان، روانشناس آمریکایی می‌گوید: «مرد باید با توجه به ارزش‌های درونی زن، او را از هرگونه ناهنجاری‌های اخلاقی دور سازد.»^۳ وقتی بی‌بندوباری، بی‌حجابی و در نتیجه فضای شهوت‌رانی در جامعه عادی شود؛ طبیعی است که درصد زیادی از مردان، درگیر شهوت‌پرستی در فضایی غیر از خانه خواهند شد و کم‌کم ویژگی‌های اخلاقی و انسانی خود از جمله غیرت را از دست خواهند داد، با این شرایط وقتی همسر آن‌ها وسیله‌ی کام‌جویی، لذت‌جویی و مزاحمت دیگران قرار گیرد و دست و نگاه آلوده متوجه او شود، نه تنها ناراحت نمی‌شوند بلکه لذت می‌برند و افتخار هم خواهند کرد تا جایی که شاید بر نشان دادن زیبایی‌های همسر خود به دیگران اصرار هم بورزند. پوشش عفیفانه و کامل می‌تواند تقویت‌کننده‌ی صفت غیرت و عامل پاسداری و محافظت مرد از ناموس خود باشد و در مقابل بدحجابی و بی‌بندوباری تأثیر زیادی در نابودی غیرت و بی‌توجهی مردان نسبت به ناموس خود خواهد گذاشت.

۱. جان گری، مردان مریخی، زنان ونوسی، بوستان دانش، ص ۳۷.

۲. همان، ص ۳۸.

۳. شانتی فلدهان، مردان بخوانند، ص ۱۳۲.

اجازه دهید قبل از شروع قسمت بصری، مطلب جالبی را برایتان بگویم

چیزی که ما امروز از کشوری مثل آمریکا می‌دانیم، فراگیری فرهنگ برهنگی است، یعنی زنان آن دیار فکر می‌کنند هرچه برهنه‌تر باشند، با ارزش‌ترند، مثلاً در میهمانی‌ها مردان باید لباس‌های رسمی مانند کت و شلوار بپوشند که تمام بدنشان را می‌پوشاند، اما زنان هرچه برهنه‌تر باشند، امتیاز بیشتری دارند، همین‌الآن حتماً این کلیپ را ببینید:



اجازه دهید برگردیم به صدسال پیش، پوشش زنان را در همین آمریکا بررسی کنیم. تصاویری که در ادامه می‌بینید به قرن نوزدهم میلادی مربوط می‌شود، چیزی حدود ۱۲۰ سال پیش، اینان زنان آمریکایی هستند با پوشش‌های سرتاسری، آستین‌های بلند، دامن‌های گشاد و تمام‌قد و کلاه‌هایی که حتی موی سرشان را هم پوشانده است. فیلم‌های موجود از قرن نوزدهم، تاییدکننده‌ی این مطلب است، می‌توانید در اینترنت جستجو کنید.

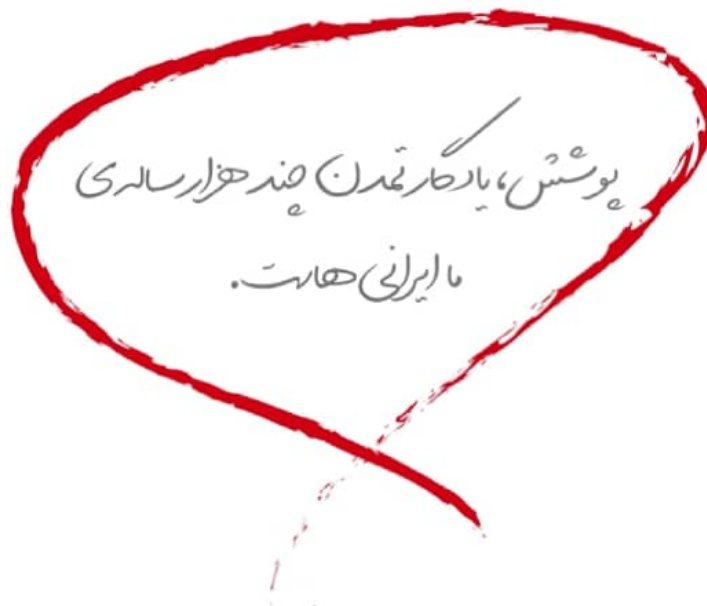
دقت می‌کنید؟ برهنگی حتی در آمریکا هم سابقه‌ی تاریخی ندارد، در همین قرن اخیر، سیاستمداران غربی، فرهنگ برهنگی را ترویج داده و شخصیت زن را در حد یک وسیله‌ی لذت‌جویی پایین آوردند. به نظر شما چرا این اتفاق افتاده؟ چرا چنین بلایی بر سر زن آورده‌اند؟ در فرهنگ غربی، به زنان یاد داده‌اند که اگر می‌خواهی شخصیت داشته باشی، باید برای مردان، چشم‌نواز باشی، این تعظیم زن است یا تحقیر زن؟ ما این را تحقیر می‌دانیم، بزرگی زن به این نیست که بتواند چشم مردان هوسران را سیر کند! از نظر تفکر غربی، علت اینکه زن‌ها نباید حجاب داشته باشند، آزادیشان نیست، چون خیلی از زنان می‌گویند ما با حجاب آزادتریم، تفکر غربی





چیز دیگری مدنظر دارد، آن تفکر، زن را برای نوازش چشم مرد و برای بهره‌وری نامشروع مرد می‌خواهد. این بزرگترین اهانت است به زن. هرچند اسمش را آزادی بگذارند. حالا که عفت را از زن غربی گرفته‌اند، مرد ظالم و زورگوی غربی به خودش اجازه می‌دهد به زنان تعرض و تجاوز کند، هر یک دقیقه یک تجاوز، خب اسلام فکر همین چیزها را کرده و احکام حریم میان زن و مرد را مشخص کرده است. مسأله‌ی حجاب که این همه مورد توجه اسلام است، به همین خاطر است.

بگذریم... این مقدمه را گفتیم تا بگوییم:



دلیل دوازدهم

حجاب میراثی

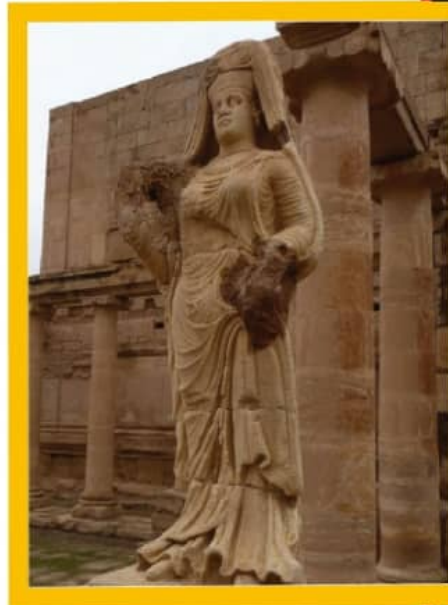


یکی از افتخارات تمدن ایران نسبت به دیگر تمدن‌ها همین بحث پوشش زنان ایرانی است؛ آن زمانی که عرب‌ها و غربی‌ها در جاهلیت به سر می‌بردند، زنان ایران زمین، محبوب بودند و باحیا. فرهنگ برهنگی که همان فرهنگ حیوانات است، فاجعه‌ای است که در همین چندسال از فرهنگ غربی به مشرق زمین راه یافته است. چادر و پوشش، میراث ملی و یادگار تمدن چند هزارساله‌ی ایرانی است. ویل دورانت، تاریخ‌نگار آمریکایی می‌گوید:

«در نقش‌هایی که در ایران باستان برجای مانده، هیچ صورت زنی دیده نمی‌شود.»^۱

بنفشه حجازی؛ پژوهشگر برجسته تاریخ زنان ایران، در کتاب «زن به ظن تاریخ» می‌نویسد:

«لباس‌های زنان در دوره اشکانی پیراهنی بلند تا به روی زمین، گشاد، پُرچین، آستین‌دار یا بدون آستین و یقه راست بوده است، پیراهنی دیگر داشته‌اند که روی اولی می‌پوشیدند، قد این نسبت به اولی کوتاه و ضمناً یقه باز بوده است، روی این دو پیراهن، چادری سر می‌کرده‌اند. زنان عهد ساسانی گاهی چادر گشاد و پُرچین به سر می‌کردند که تا به وسط ساق پا می‌رسیده است.»



خب ماکاری به دین نداریم اصلاً، ایرانی که هستیم، همان‌طور که مُقیدیم باید میراث و رسوم صحیح

ایران زمین و همچنین زبان شیرین فارسی حفظ شود، باید مقید باشیم، فرهنگ حیا که یادگار تمدن چند هزارساله‌ی ایرانی است، نیز حفظ شود. تخت جمشیدی که بیانگر تاریخ ایران ماست، با قدمتی چند هزارساله، چرا در آن عکس یک زن برهنه، کنده‌کاری نشده است؟ آیا این نشانگر وجود فرهنگ حیا در اجداد ما نیست؟

ماییم و این پشتوانه‌ی چند هزارساله‌ی فرهنگی و فکری، رسم و رسومات ما ایرانی‌ها

۱. ویل دورانت، تاریخ تمدن، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۳۴.

نه از صد سال و دویست سال پیش، که از چند هزار سال پیش پایه گذاری شده است، آن وقتی که نه انگلیسی در کار بود و نه آمریکایی! فرهنگی متعالی که اسلام هم برخیلی از آن ها مهر تایید زد، حالا در این صد سال اخیر، به افکار عمومی ما تلقین می کنند که اگر می خواهید پیشرفت کنید، باید شبیه به غربی ها باشید، راه پیشرفت، تقلید از ظواهر غربی هاست، که برهنه شوید، که فلان طور لباس بپوشید و... چرا تقلید از دانش را ترویج نمی کنند؟ چرا با پیشرفت علم در کشورهای اسلامی مقابله می کنند؟ همین علوم هسته ای خودمان! چرا تمام تلاششان را می کنند تا ما در این علوم رشد نکنیم؟ از پیشرفت علمی ما جلوگیری می کنند، از پیشرفت اقتصادی ما جلوگیری می کنند، از پیشرفت پزشکی ما جلوگیری می کنند، از پیشرفت نظامی ما جلوگیری می کنند، ولی هزاران دقیقه فیلم مستهجن جنسی را، رایگان به اینترنت ما تزریق می کنند. فرهنگ برهنگی را به ما تزریق می کنند، بی عفتی را به ما تزریق می کنند، فرهنگ غلط دوستی های دختر و پسر را به ما تزریق می کنند. چرا؟ اینگونه فهمانده اند که هر که ظاهر او بیشتر مثل غربی ها باشد، با کلاس تر است، چه کلاسی؟ زن غربی، با ورود به منجلاب برهنگی و فساد، تنها دستاوردی که برای خانواده داشت، نابودی آن بود، این جور نبوده است که زن با برداشتن حجاب در میدان های علمی، سیاسی و اجتماعی پیشرفت کند، نه! اتفاقاً زن با برداشتن حجاب به صنعت مدلینگ و تبلیغات و فروشندگی و این جور چیزها درگیر شد. زن در غرب، وسیله ای شده برای فروش کالا، هر چیزی را بخواهند بفروشند، آن را با عکسی نیمه لخت از زنان، تبلیغ می کنند. اهانتی از این بالاتر؟ در غرب از زن به عنوان یک وسیله ی شهوت رانی استفاده می شود، آنها معتقدند که زن بدون آرایش، ارزشی ندارد، باید خودش را بیاراید تا مردها او را بپسندند، این بزرگترین اهانت است به زن.

در ایران باستان، زنان اشراف، همه با حجاب بودند، ولی زنان طبقات پایین و زنانی که جایگاه اجتماعی نداشتند، بی حجاب در جامعه حضور پیدا می کردند، اسلام این تبعیض را کنار گذاشت و گفت همه ی زنان باید با حجاب باشند، همه باید از این کرامت برخوردار باشند، این تکریم فقط متعلق به اشراف نیست.

دلیل سیزدهم

پوشش و سلامتی بیشتر

نوع پوشش می تواند بر روی سلامتی جسمی و روحی تأثیرگذار باشد

۱ ارتباط پوشش و سلامتی جسم:

یکی از عوامل سلامتی، آرامش و طمأنینه است و در مقابل آن یکی از عوامل بیماری، اضطراب و هیجان. پزشکان می گویند هیجانات، اضطراب ها و استرس بر همه ی بیماری ها مؤثرند و آن ها را تشدید می کنند. در صفحات قبل توضیح دادیم که چگونه پوشش نامناسب موجب ایجاد هیجانات و اضطراب های مداوم در طول روز خواهد شد، وقتی هیجانات جنسی به سطح عمومی جامعه کشانده شود و فکر جوانان در طول روز درگیر شهوت های کاذب باشد، طبق نظر پزشکان، همین هیجانات مداوم و همیشگی می شود سرآغاز بیماری ها. علم پزشکی می گوید هیجانات و استرس های روحی و روانی در ایجاد بیماری های جسمی مزمن از جمله سرطان نقش مؤثری دارد^۱ برای مثال هیجان و اضطراب در ایجاد التهاب پروستات آقایان، از بین بردن سلامت فکری و آرامش بانوان، بیماری های معده و روده و... بسیار مؤثر است.

۲ ارتباط پوشش و سلامتی فکر:

همان طور که گفتیم نبود پوشش کامل و حجاب میان زن و مرد، هیجانات و التهاب های جنسی را افزایش می دهد و تقاضای ارتباط با جنس مخالف را به صورت عطشی روحی و درخواستی سیر نشدنی درمی آورد. روح انسان فوق العاده تحریک پذیر است، اگر فکر می کنیم که تحریک پذیری روح، محدوده ی خاصی دارد و پس از آن آرام می گیرد، کاملاً در اشتباهیم، هیچ مردی از تصاحب زیبا رویان و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان و نهایتاً هیچ دلی از هوس سیر نمی شود. از طرفی تقاضای نامحدود، خواه ناخواه انجام نشدنی است و همیشه با یک حس محرومیت و دست نیافتن به آرزوها، همراه است که همین ناکامی روحی طبیعتاً به اختلالات روحی و بیماری های روانی منجر می گردد.^۲

۱. Moreno-Smith M, Lutgendorf SK, Sood AK. Impact of ۲. Cohen S, Rabin BS. Psychologic stress, immunity, and cancer. and Cohen S, Rabin BS. Psychologic stress, immunity, and cancer. J Natl Cancer Inst ۴--۳: ۹۰; ۱۹۹۸.

۲. برگرفته از کتاب «مسأله حجاب»، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، صفحه ۸۷.

دلیل چہار دہم

پوش و فطرت



برخی صفات اخلاقی با انسان به صورت طبیعی و بدون هیچ آموزشی همراه‌اند. برای نمونه انسان‌ها ذاتاً خوبی‌ها را دوست دارند، خوبی‌هایی مانند زیبایی، انسان ذاتاً میل به زیبایی دارد و همچنین انسان‌ها فطرتاً از بدی‌ها و پلیدی‌ها گریزانند، مثل دروغ‌گویی، انسان ذاتاً دروغ‌گویی را صفت اخلاقی بدی می‌داند؛ البته اگر این میل فطری دست‌کاری نشده باشد. احتمالاً دیده‌اید افرادی را که انگار نافشان را با دروغ‌گویی بریده‌اند! این به خاطر آن است که میل فطری چنین افرادی در بستر تربیتی نامناسبی دچار تغییر شده است. پوشش مسئله‌ای است که انسان به صورت فطری میل به آن دارد، خودتان را ببینید، آیا از برهنگی احساس شرم نمی‌کنید؟

علاوه بر آنکه مردم سرزمین‌های مختلف در طول تاریخ هر کدام به شکلی، مسئله‌ی پوشش را مدنظر قرار داده‌اند، ادیان آسمانی نیز به مسئله‌ی پوشش توجه کرده و برای آن احکام خاصی وضع کرده‌اند.

دین یهود در موارد زیادی بر وجود حریم بین زن و مرد تأکید می‌کند تا اینکه بتوان به این وسیله پاکی خانواده را حفظ کرد. آیین مسیح قوانین سخت‌تری از یهود دارد و زرتشت ملاقات زن را با هرگونه مردی جز همسرش محکوم می‌کند اما دین اسلام که کامل‌ترین دین آسمانی است نه ارتباط زن را فقط با همسرش محدود کرده و نه اینکه اصلاً به این قضیه توجهی نکرده باشد، بلکه برای حجاب احکامی مناسب با طبیعت انسان در نظر گرفته است. توجه ادیان و اقوام مختلف نظیر مادها، هخامنشیان، اشکانی‌ها و ... در دوره‌های مختلف تاریخ به پوشش، فطری بودن آن را تأیید می‌کند.

دلیل پانزدهم

انعطاف بیشتر

خانم زینب جلالی، در کتاب حجاب از دیدگاه روانشناسی، می‌گوید؛

زن، به این دلیل که عواطف و احساسات قوی‌تری، نسبت به مرد دارد، از نظر روانی نفوذپذیر از مرد است، یعنی از عوامل بیرونی، بیشتر از مرد متاثر می‌شود، این نفوذپذیری وقتی از یک منبع؛ یعنی از سوی همسر خود باشد، باعث می‌شود یگانگی روانی زن حفظ شود، ولی وقتی زنی، جذابیت‌های خود را جلوی چشم مردان دیگر قرار بدهد، به آسانی تحت تاثیر روانی و عاطفی آنان قرار می‌گیرد و یگانگی روانی او از بین خواهد رفت، در نتیجه دچار اضطراب و

آشفته‌گی خواهد شد.^۱



روانشناس‌ها می‌گویند، زن‌ها نسبت به مردها خیلی انعطاف‌پذیرترند، زودتر منعطف می‌شوند، زودتر همراه می‌شوند، حالا شاید به خاطر لطافت روحی‌شان، شاید به خاطر عواطف زیادشان، شکی نیست که زن‌ها خیلی زودتر از مردها مطلبی را می‌پذیرند، به همین دلیل آسیب‌پذیری‌شان بیشتر می‌شود. پای حرف‌های کارشناسان مشاور خانواده که بنشینیم، می‌گویند دخترخانم‌های زیادی به ما مراجعه می‌کنند که از رفتار غیراخلاقی دوست‌پسرشان دچار بحران فکری شده‌اند، مثلاً می‌گویند تصاویر شخصی ما با خودش را در فضای مجازی منتشر

کرد، آبروی من را پیش خانواده و فامیلم برد، قرار بود با من ازدواج کند اما حالا حتی

۱. حجاب و نقش آن در سلامت روان، عباس رجبی، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ ششم،



جواب تلفنم را هم نمی دهد، از اول دوستی مان از من درخواست روابط نامشروع داشت، قبول نمی کردم تا پس از اصرار زیادش بالاخره پذیرفتم که بعد از آن رفت و دیگر پشت سرش را نگاه نکرد و... وقتی از او می پرسند اصلاً چرا با او این قدر صمیمی شدی که بخواهد روزی از تو سوءاستفاده کند و مثلاً چرا درخواست شیطانی او را پذیرفتی؟ می گوید: من فکر می کردم واقعاً من را دوست دارد، فکر می کردم واقعاً می خواهد با من ازدواج کند، من او را باور داشتم...

دلیل این اتفاق آن است که این دختر خانم به خاطر لطافت روحی زیاد، وقتی محبت های دروغین آن پسر را دیده است، به او اطمینان کرده و خود را در اختیار او گذاشته است. از این قبیل موارد در جامعه ی ما کم نیست، کافی است به مراکز مشاوره ی خانوادگی سری بزنید تا بی واسطه از زبان هر مشاور، ده ها داستان این چنینی بشنوید. دکتر دی آنجلیس در کتاب رازهایی درباره ی مردان می گوید:

«خانم ها اغلب به نام عشق، به خاطر عشق، خود را فدا می کنند که نتیجه ی این کار گرسنگی عشقی، رنجش و آزرده گی آن ها است.»

در چنین اوضاعی، دختر خانم ها باید خود را از میدان مغناطیسی فکرهای هرزه و مردان هوس باز و خطرناک دور کنند، شما نمی توانید به یک آهن ربا بگویید آهن را به خودت جذب نکن! آهن ربا آهن رباست تا آهنی در میدان مغناطیسی اش قرار بگیرد، آن را به سمت خود جذب خواهد کرد! زن مظهر زیبایی و جذابیت است، زن بخواهد یا نخواهد دل رباست.

یک دختر خانم اگر زیبایی اش را به نمایش عمومی گذاشت، حتی اگر نخواهد، فکرهای هرزه و افراد گرگ صفت و خطرناک را به سمت خودش جذب خواهد کرد، آن وقت باید منتظر تبعات سخت و سنگین مزاحمت های مردان نامحرم در قالب محبت ها و دوستی های دروغین باشد. پوشش عفیفانه یا همان پوشش کامل اسلامی، بهترین گزینه است تا یک دختر خانم کمترین مزاحمت ها و خطرات متوجهش گردد.



یک مطلب خیلی مهم!

متأسفانه امروز دوستی‌های دخترپسری، بخشی از جامعه‌ی ما را فرا گرفته است؛ پسران فرصت طلب، تلاش می‌کنند تا با دختران معصوم رابطه‌ی دوستی برقرار کنند. مطمئن باشید آن‌ها هیچ هدفی جز سوءاستفاده ندارند. همین پسرها، ملاک اصلیشان در ازدواج، دخترانی هستند که تا بحال روابط نامشروع نداشته‌اند، همین‌ها برای ازدواج دنبال دخترانی می‌گردند که پاکدامن و عفیف بوده‌اند. به نظرتان چرا؟ اصلاً یک چیزی، اگر شما هم از آن دسته دخترانی هستید که به هر دلیلی دوستی با جنس مخالف را توجیه می‌کنند، لطفاً به این سوال من پاسخ دهید؛ فرض کنید آدم خیلی خوش تیپی در خیابان پیش شما می‌آید و از شما می‌خواهد هرچه پول دارید به او بدهید، آیا قبول می‌کنید؟ پس چطور حاضرید اگر کسی با شما دوست شد، بدنتان را که خیلی با ارزش‌تر از پولتان است در اختیار او بگذارید؟ بدن شما با ارزش‌تر از تمام پول‌های دنیاست، پول ثروتمندترین افراد دنیا، حتی یک درصد ارزش بدن شما را ندارد. خلاصه‌ی کلام! مواظب باشید زندگی و آینده‌ی خودتان را فدای کسی نکنید که هدفش سوءاستفاده‌ای چندروزه از شماست...



دلیل شانزدهم

پوشش و چندی همسری

شما خانم بزرگوار با خواندن ابتدای این قسمت، آزرده خاطر خواهید شد اما بعد از اینکه آن را کامل بخوانید، لذت خواهید برد از احکام اسلامی که فکر چه چیزهایی را کرده است.

حتماً شنیده‌اید که می‌گویند مردان تنوع طلبند! بنابراین دانشمندان غربی؛ یکی از ویژگی‌های آفرینشی مردان، میل به چند همسری است، مردها ناخواسته تمایل به همسران متعدد داشته و تنوع طلبند! حتماً تعجب خواهید کرد اگر بشنوید نظر مشهور روانشناسان و فیلسوفان اجتماعی غرب و اروپا بر این است که مرد، چند همسری آفریده شده و تک همسری برخلاف طبیعت اوست؛ ویل دورانت، پژوهشگر آمریکایی می‌گوید: «بی‌شک بسیاری از آن، نتیجه علاقه «اصلاح‌ناپذیری» است که به تنوع داریم و طبیعت به یک زن بسنده نمی‌کند» او هم چنین می‌گوید: «مرد ذاتاً طبیعت چند همسری دارد و فقط نیرومندترین قیود اخلاقی، میزان مناسبی از فقر و کار سخت و نظارت دائمی زوجه می‌تواند تک همسری را به او تحمیل کند.»

مسئله‌ی چند همسری قبل از اسلام، امری عادی بوده و محدود و ضابطه‌ی مشخصی نداشته است؛ اسلام اما آن را در چارچوب ضرورت‌های زندگی انسان محدود ساخته و برای آن شرایط سنگینی همچون رعایت عدالت قرار داده است و می‌گوید چنانچه مرد ترس آن را دارد که نتواند بین همسران عدالت برقرار کند، نمی‌تواند بیش از یک همسر برگزیند.

از این‌ها بگذریم! ما معتقدیم اگر بی‌بندوباری در جامعه ترویج شود، بله! مردان تنوع طلب می‌شوند و به فکر رابطه‌های جدید می‌افتند، ولی اگر جامعه را پاک نگاه داریم و هوای روانی جامعه را مسموم نکنیم، چرا مردان تنوع طلب بشوند؟ مرد وقتی هر روز در جامعه، موجی رنگین از زنان را ببیند، طبیعتاً رویای رابطه‌ای جدید در ذهن او پرورانده خواهد شد. بنابراین مجموعه‌ی زنان بدحجاب، به طور گسترده‌ای میل به تعدد را در مردان تشدید خواهند کرد و همین، عامل بروز مشکلات زیادی در خانواده‌ها می‌گردد.

دلیل ہفدہم

پوشش عامل کنٹرل حرر

کشاندن جذابیت‌های جنسی در جامعه ارتباط مستقیمی با ایجاد افزون طلبی جنسی در مردان دارد، اینکه خیلی از آقایان، حالا چه مردان و چه پسران، سعی در ارضای شهوت خود به طور غیرشرعی دارند، ریشه‌ی آن جذابیت‌های شدید جنسی در جامعه است. وقتی به یک رابطه‌ی نامشروع دوستی بین دختر و پسر دقت می‌کنیم، می‌بینیم درحالی‌که دختری در یک فضای عاطفی تن به دوستی نامشروع داده است، اما تمام هم‌وغم پسر از ابتدای دوستی، ارضای شهوت خود و تجربه‌ی ارتباط با نفر بعدی است.

دکتر جان گری می‌گوید:

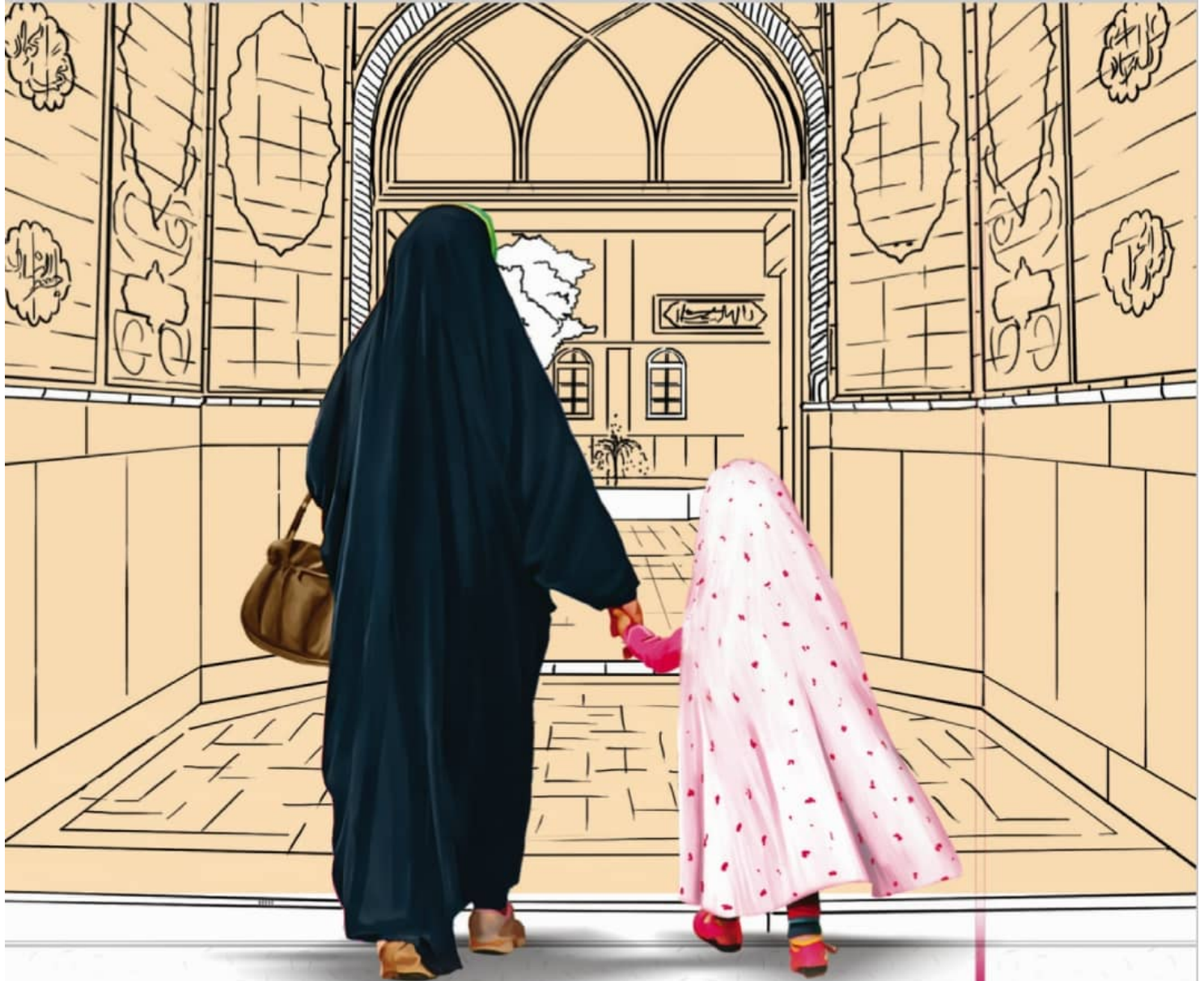
«اگر زن احساس کند که با زن دیگری مقایسه می‌شود یا با زن دیگری مجبور است رقابت کند، نمی‌تواند در فضایی باز رشد کند، اگر احساس کند همسرش روابط نامشروع دارد، ممکن است عشقش کاملاً سرکوب شود، او نیاز به فضایی پاک و راحت دارد تا شکفته شود.»^۱

همان‌طور که گفتیم سلامت خانواده و جامعه در گرو پیدا شدن قانون یا اصل حجاب است. ترویج مصرف‌گرایی جنسی و عرضه‌ی زیبایی‌های زنان در این راستا، به انحراف انسان از مسیر اصلی زندگی‌اش می‌انجامد! در جوامع به اصطلاح آزاد که تبلیغات مداوم، زنان را به سوی جلوه‌گری و عرضه و نمایش خویش می‌کشاند و زیبایی‌های زن مرتب از طریق رسانه‌ها به جامعه عرضه می‌شود، در مردان که از احساس جنسی قوی‌تری برخوردار هستند نوعی احساس نارضایتی نسبت به همسر خودشان به وجود می‌آورد و همسرشان نمی‌تواند آن‌ها را راضا کند. عرضه‌ی انواع مختلف جلوه‌های زن، آنان را از همسران خویش سیر کرده و در نتیجه به دنبال شخص دیگری می‌روند. زن، هرچقدر به حجاب و عفاف خود احترام بگذارد، موجب اطمینان خاطر همسرش نسبت به خود می‌شود؛ وزن می‌داند که همسرش در بیرون خانه نتوانسته به زنان دیگر نگاه کند و به کسی علاقه مند شود.

این چنین است که با رضایت مرد از همسر خود، بسیاری از اختلافات و تنش‌های خانوادگی کاهش خواهد یافت، حجاب، جلوی سوءظن‌ها را خواهد گرفت و مرد را نسبت به همسر خود مطمئن می‌کند.^۲

۱. جان گری، مردان مریخی، زنان ونوسی، بوستان دانش، ص ۶۰.

۲. محمد رحمتی شهرضا، چرا با حجاب شدم، برگرفته از ص ۴۳.



بهترین پوشش

در صفحات قبل به صورت مفصل درباره‌ی ضرورت پوشش صحبت کردیم و متوجه شدیم در پسِ دستور اسلام به پوشش، یک سری دلایل عقلی نهفته است، مانند خیلی دیگر از دستورات اسلام که در گذشته صادر شده ولی امروز دلایل عقلی و پزشکی آن مشخص شده است، یعنی ۱۴۰۰ سال بعد، مثلاً مصرف گوشت خوک؛ اجازه دهید خارج از موضوع کتاب کمی در این باره صحبت کنیم، قرآن کریم، انواع غذاها را که برای جسم و روح انسان مفید بوده و ذائقه‌ی او را نیز ارضا کرده، حلال شمرده است و از طرفی انسان را از خوردن غذاهای مضر و پلید نهی می‌کند. ممنوعیت مصرف غذاهای غیربهداشتی و تنفرآمیز، یکی از خدمات دین اسلام به انسان‌ها است، زیرا در زمانی که میکروب کشف نشده بود و اثرات غذاهای پلید در به وجود آوردن بیماری‌ها روشن نبود،



مصرف آن‌ها را ممنوع اعلام کرده و این خدمت بزرگی در جهت سلامتی انسان‌ها است. خب، حالا ۱۴۰۰ سال بعد از اینکه اسلام مصرف گوشت خوک را ممنوع اعلام کرد، علم پزشکی ضررهای خطرناک گوشت خوک را تشخیص داده است. دلایل پزشکی مضر بودن گوشت خوک تنها می‌تواند بخشی از علل ممنوع بودن آن در اسلام باشد و قطعاً باید منتظر کشف اسرار جدیدی در این باره باشیم.

خب، در میان بحث حجاب، از تطابق احکام اسلام با علم پزشکی گفتیم، چرا؟ می‌خواستیم آن حرفمان که گفتیم در پس دستورات دینی، حکمت‌های عقلی، پزشکی، روانشناسی و... نهفته است، تأیید شود. حالا که به منطق اسلام در مواجهه با احکام زندگی پی بردیم، اجازه دهید برای مشخص کردن نوع پوشش برگردیم به دستورات اسلام و ببینیم اسلام در این باره مشخصاً چه نظری دارد، با توجه به ضرورت‌هایی که گفتیم پوشش عفیفانه، پوششی است که دارای شرایط زیر باشد:

۱) طوری باشد که موجب جلب نظر نامحرمان و تحریک شهوانی جنس مخالف نشود حتی اگر چادر هم باشد و در آن جذابیتی وجود داشته باشد که موجب جلب توجه نامحرم شود، فایده‌ای ندارد، مثلاً چادر ملی اندامی! حالا چه رسد به مانتو یا لباس‌های دیگر که در آن حجم قسمت‌هایی از بدن نمایان است.

۲) لباس آقایان، باید مختص به آقایان و لباس بانوان باید مختص به بانوان باشد و زن و مرد از پوشیدن لباسی که اختصاص به جنس مخالف دارد، دوری کنند.

۳) لباسی که می‌پوشیم نباید لباس اهل گناه و کسانی که خدا را قبول ندارند، باشد.

۴) لباس موجب خدشه به شخصیت انسان و انگشت‌نماد شدن او در میان مردم نشود.

۵) بدن زن به جز گردی صورت و میچ دست به پایین (آن هم بدون آرایش و زیورآلات) نباید آشکار شود.

صاحب نظران، چادر را به عنوان پوششی که تمام ویژگی‌های فوق را داراست، معرفی کرده‌اند، دوست دارید کمی در مورد ویژگی‌های منحصر به فرد چادر مشکی بدانید؟

بس با ما همراه باشید

دلیل ہجدهم

پوشیدگی بہشتیہ

عوامل مختلفی مانند نازک نبودن، چسبان نبودن و نوع رنگ در تأمین پوشش بیشتر مؤثرند. در بین رنگ‌ها، رنگ‌های تیره و مشکی، در تأمین پوشش حداکثری خانم‌ها در بیرون منزل مؤثر هستند، چون موجب پوشانده شدن بیشتر و مانع از دیده شدن آن‌ها می‌شوند. به دلیل پوشانندگی بیشتر رنگ مشکی است که زنان پاک دامن، هوشمند، مسلمان و مؤمن، رنگ لباس‌های رویی مانند چادر، مانتو و مقنعه را از رنگ‌های تیره مثل مشکی، قهوه‌ای و یا سرمه‌ای برمی‌گزینند و از رنگ‌های روشن و جذاب دوری می‌کنند تا جلوی چشم نامحرمان پوشیده‌تر باشد. علاوه بر این، رنگ مشکی پوشاننده‌ی رنگ‌های دیگر است و زیر آن هر لباس رنگی دیگری را می‌پوشاند.

رنگ سیاه تیره‌ترین رنگ‌ها است و تمام رنگ‌های دیگر در مقابل آن، رنگ می‌بازند. در روانشناسی رنگ‌ها می‌خوانیم: سیاه به معنای «نه» است. پزشکی روانشناسی می‌گفت: وقتی انسان به یک شیء سفید نگاه می‌کند احساس می‌کند انگار به آن شیء نزدیک‌تر می‌شود اما وقتی شیء مشکی می‌بیند احساس می‌کند از آن دور می‌شود.

تجربه‌ی زندگی روزانه نیز مؤید این واقعیت است که رنگ سیاه، چشم را می‌زند و رنگ سفید، چشم را جلا می‌دهد. با توجه به اینکه یکی از شرایط حجاب اسلامی این است که نگاه نامحرمان را به خود جلب نکند، اگر بانوان چادر مشکی بپوشند که توجه بینندگان نامحرم را جلب نمی‌کند، بهتر است یا رنگ روشن که چشم‌ها را جلا می‌دهد و توجه را به آن‌ها متمایل می‌سازد؟

رنگ مشکی، رنگی صامت و غیر محرک است و واکنش مهمی در بیننده ایجاد نمی‌کند، از این رو یکی از بهترین ابزار کاهش واکنش‌های روانی است و نه تنها وسیله‌ی جلب توجه دیگران نمی‌شود بلکه به دور کردن توجه نیز کمک می‌کند.



دلیل نوزدهم

نقاه شکنی



در روانشناسی رنگ‌ها گفته می‌شود رنگ سیاه نشانگر ترک علاقه یا انصراف است. از این رو کسی که پوشش او چادر مشکی است، همیشه جلوه و نمای خود را از نگاه‌ها دور می‌دارد، یعنی فرد دارای پوشش و چادر مشکی، به نگاه‌های نامحرم می‌گوید: هیچ جایگاهی برای نگاه در من وجود ندارد و من انتخاب می‌کنم که چه کسی نگاهم کند. از سوی دیگر وقتی رنگ مشکی در کنار رنگ دیگری قرار می‌گیرد، تأثیر آن را تقویت می‌کند و خصلت آن رنگ را مورد تأیید قرار می‌دهد. اگر یک پنجره رنگین در کنار میز سیاهی قرار بگیرد، هر بیننده‌ای که به آن سو بنگرد نگاه او ناخودآگاه به طرف پنجره جلب خواهد شد و اصلاً به صفحه‌ی سیاه میز توجهی نخواهد کرد. رنگ سیاه میز خاصیت جلوه‌نمایی خود را نفی کرده، در عوض خاصیت رنگ پنجره را تقویت می‌کند، به همین علت وقتی خانمی چادر مشکی به سر می‌کند و در خیابان راه می‌رود، فردی که از دور به او و اشیای رنگی اطراف مثل ماشین‌ها و مغازه‌ها نگاه می‌کند، بی‌اختیار اشیای رنگی نظر او را به خود جلب می‌کند.

بسیاری از اوقات بیننده اصلاً به رنگ مشکی توجهی نمی‌کند و رد می‌شود؛ بنابراین بانوانی که می‌خواهند به بهترین شیوه، عفت و پاک‌دامنی خود را حفظ کنند و از نگاه‌های آلوده و میدان مغناطیسی نگاه‌های هرزه در امان باشند، از حجاب و چادر مشکی استفاده می‌کنند. چادر مشکی بدن بانوان را در مواجهه با نامحرم به طور یکنواخت و در عین حال به روش ساده و معمولی و به دور از تجمل می‌پوشاند.^۱

۱. برگرفته از مجله‌ی پیام زن دی ۱۳۸۵، شماره ۱۷۸.



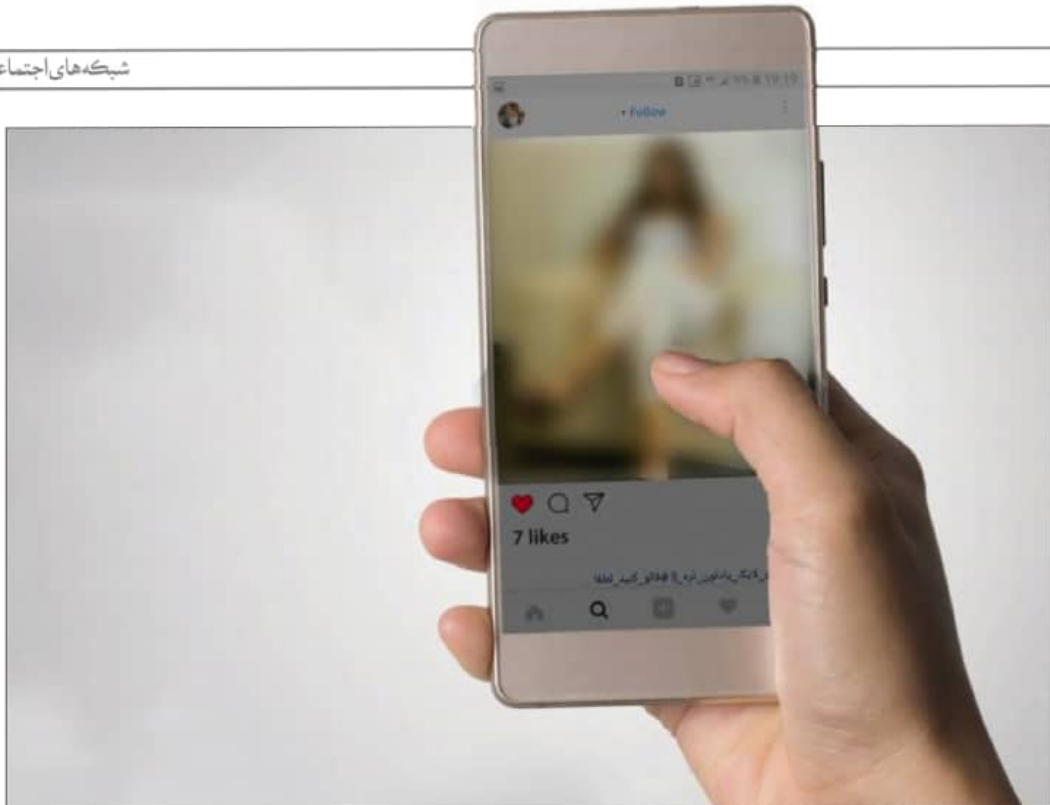
دلیل بیستم

مردم
عالم توجه اسامی
حجاب

خدا در هر کدام از زن و مرد، کشش و جاذبه‌ای به نام غریزه‌ی جنسی قرار داده است تا زن و مرد در کنار هم بتوانند کانون خانواده را گرم و پابرجا نگاه دارند و این نیرو و جاذبه‌ی درونی، مایه‌ی انس و الفت زن و مرد، نسبت به یکدیگر گردد. از طرف دیگر برای اینکه فساد و تباهی در جامعه و خانواده ایجاد نگردد، خدا به هر یک از زن و مرد دستورهای ویژه‌ای درباره حجاب و پوشش داده است تا خود را از نامحرم بپوشانند و نیروی جنسی خود را برای خانواده‌ی خویش صرف نمایند. با توجه به خاصیت و فایده‌ی نگاه شکنی پوشش مشکی، می‌توان گفت که حجاب و چادر مشکی بانوان در برخورد با نامحرمان بهترین سدی است که دفع‌کننده‌ی جاذبه‌ی نیروی غریزی در زن و مرد نامحرم در جامعه است و چون چادر مشکی، پوششی یکدست و معمولاً ساده است، از جلب توجه نامحرمان به سمت زنان جلوگیری می‌کند؛ به این نکته توجه کنید که یکی از مهم‌ترین نیازهای زنان، نیاز به توجه است.

اگر زنی از طرف همسرش، احساس کم‌توجهی کند، قطعاً از لحاظ روحی، متأثر خواهد شد، به نظر شما، نوع پوشش چگونه می‌تواند ویژگی توجه به همسر را در مردان تقویت کند؟ وقتی مردان در جامعه، امکان نگاه به زنان نامحرم و غریبه را نداشته باشند، تمام توجهشان معطوف می‌شود به همان همسر محرم خودشان، نه که مقداری از توجه و علاقه‌ی قلبی‌شان را برای کسی غیر از همسرشان صرف کنند. توجه، همان چیزی که خانم‌ها شدیداً به آن نیاز دارند. در مقابل، تردیدی نیست که استفاده‌ی زنان از لباس‌های رنگارنگ، یکی از ساده‌ترین و قوی‌ترین ارتباط‌های غیرکلامی است، به گونه‌ای که باعث توجه جنس مخالف گشته و به طور غیرآگاهانه و غیرارادی، ارتباطی دوطرفه برقرار می‌کند، در نتیجه‌ی این ارتباط دوطرفه مقدار عظیمی از نیروی جنسی که خداوند برای تشکیل و تحکیم خانواده قرار داده است، هدر می‌رود.





شبکه‌های اجتماعی

بگذارید تا پیشمان هستید، کمی هم درباره‌ی شبکه‌های اجتماعی صحبت کنیم. اینگونه شبکه‌ها نظیر اینستاگرام به شکلی طراحی شده که مخاطب خود را آهسته آهسته به سمت محتوای جنسی می‌کشاند، یعنی در مرحله‌ی اول، تماشای تصاویر مستهجن را به شما پیشنهاد نمی‌دهد. در ابتدا تصاویری ساده از افراد بدون پوشش را به نمایش می‌گذارد. آن قدر زمینه تماشای این تصاویر را برای شما فراهم می‌کند و همچون رگبار این تصاویر را به سمتتان می‌فرستد که اگر اولی و دومی و سومی را باز نکنید، چهارمی را باز خواهید کرد و اگر خیلی مقاومت کنید، آن قدر به کارش ادامه خواهد داد تا مقاومت شما را بشکند و در نهایت گناه نگاه به نامحرم را پیش چشم شما عادی می‌کند، همین که شما با باز کردن تصاویر پیشنهادی، به اینستاگرام چراغ سبز نشان دهید، در مرحله‌ی بعد تصاویری با پوشش‌های نامناسب‌تر به نمایش خواهد گذاشت. این روال ادامه پیدا خواهد کرد و نهایتاً به نمایش محتوای برهنه و حیوانی خواهد رسید.



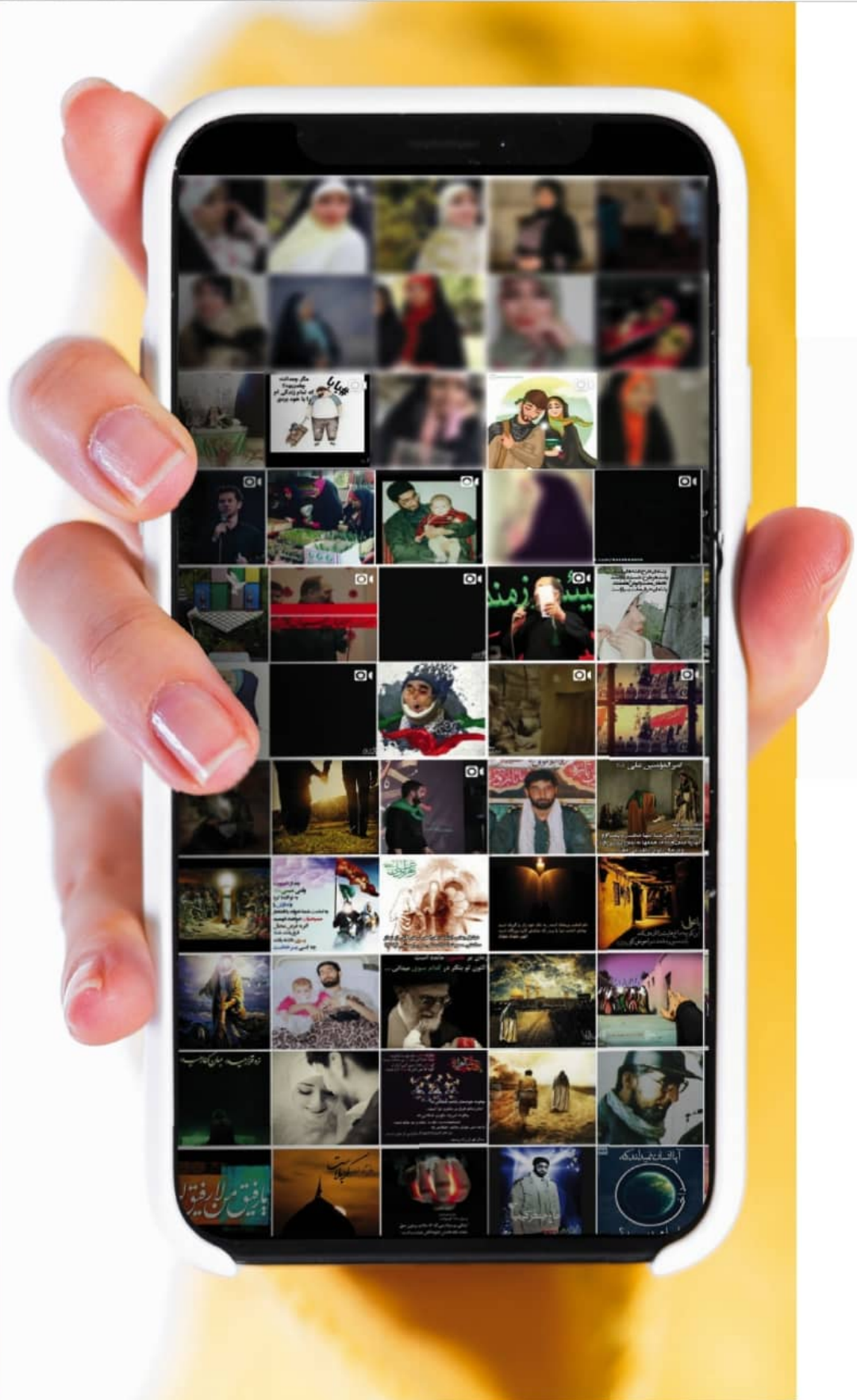
به احتمال زیاد باری به غضبان انداخته‌اید
و می‌گویید ماطری با تصاویر ناسالم اینستاگرام نداریم.
بله قبول!

اما حاضرید قسم بخورید حتی یک بار هم تصویری نامناسب در اینستاگرام ندیده‌اید و یا بعداً نخواهید دید؟ حاضرید ماشینتان را چسبیده به پرتگاه یک دره‌ی خطرناک پارک کنید؟ قطعاً نه! پس چطور خودتان را کنار پرتگاه دره‌ی اینستاگرام مستقر می‌کنید؟ ما که می‌دانیم این فضا ما را به سمت گناه خواهد کشاند، از همان ابتدا از آن فاصله بگیریم. البته ما فقط اینستاگرام را مثال زدیم، ممکن است ده‌ها برنامه‌ی مشابه آن هم وجود داشته باشد. تشخیص با خود شماست.

پس گفتیم اینستاگرام به شکلی طراحی شده که آهسته‌آهسته کاربر خود را به سمت فرهنگ تبرج و برهنگی سوق می‌دهد. شخص، پس از اینکه مدتی را در این فضا گذراند، قبح گناه و بسیاری از کارهای خلاف حیا، نزدش شکسته خواهد شد. ما در صفحه‌ی بعد، تصاویر پیچ یک خانم چادری را آورده‌ایم که سال پیش وارد اینستاگرام شده، سیر موضوعی پست‌های او را بررسی کنید که از کجا به کجا کشیده شده، تغییر موضوعات تصاویر بدین ترتیب است:

- ۱ تصاویر شهدا و سوژه‌های مذهبی
- ۲ تصاویری از مفهوم عشق
- ۳ تصاویر روزمره خود شخص (بدون ژست و جذابیت)
- ۴ تصاویر شخصی با ژست خاص
- ۵ تصاویر شخصی با نمایش جذابیت
- ۶ تصاویر شخصی با آرایش تند
- ۷ ...

این یک نمونه‌ی واضح از تأثیر شبکه‌های مجازی بر حیاست. همین اتفاق دقیقاً با ما هم خواهد افتاد، اما فرایند آن، آنقدر جذاب است که متوجه آن نخواهیم شد.





چند پرسش درباره‌ی حجاب

❓ بهتر نیست مردان چشم خودشان را مفاظ کنند؟

« ابتدا توجه کنید که در صفحه‌ی ۴۷ در این باره صحبت کرده‌ایم، لطفاً مجدداً بخوانید، ولی اگر بیشتر بخواهیم توضیح دهیم، خواهیم گفت در یک جامعه هم مردان نسبت به زنان وظیفه دارند و هم زنان نسبت به مردان، من پرسشی از شما می‌کنم، دوست دارید یک خانمی با جلوه‌ای که دارد در خیابان، برای چند لحظه، توجه همسر یا پدر شما را به خودش جلب کند؟ شما که با زیبایی خود جوانی را مبهوت خودتان می‌کنید، فکر نمی‌کنید آن جوان، شما را با همسر خود مقایسه خواهد کرد و ظاهر آنچنانی شما، رابطه‌ی این زن و شوهر را متزلزل می‌کند؟ فکر نمی‌کنید که فردا هم دختری زیباتر از خود شما بیاید و با جلوه‌ی خودش دل شوهر شما را بر بایند؟ فکر نمی‌کنید ریگی که در این دیگ می‌اندازید روزی ممکن است زیر دندان خودتان هم برود؟^۱

❓ اصلاً چادر خوب! ولی چرا اجبار؟ من زیر بار حرف زور نمی‌روم!

وقتی مسئله‌ای، جنبه‌ی اجتماعی و عمومی پیدا می‌کند، الزاماً باید قانون مند شود تا به بهترین شکل اجرا گردد، مثلاً در تمام دنیا، سرنشینان خودرو از طرف قانون و حاکمیت مجبور می‌شوند کمربند ایمنی خود را ببندند تا خطرات و سوانح رانندگی کاهش یابد، حالا اگر کسی گفت: من می‌دانم بستن کمربند بسیار مهم است، اما چون اجبار شده، زیر بار حرف زور نمی‌روم» در این صورت نباید به عقلش شک کنیم؟ البته بماند که چادر در کشور ما الزام و اجباری ندارد و زنان ایران زمین با انتخاب خود از آن استفاده می‌کنند.

۱. برگرفته از پاسخ‌های استاد محسن قرائتی.



؟ چادری بودن سفته!

خب همه‌ی زندگی با نوعی سختی و دشواری همراه است! جوانی که می‌خواهد به مراتب والای علمی برسد باید سال‌ها شهر و دیار خود را ترک کند و به شهر دیگری برود، چندین سال در غربت زندگی کند تا بتواند به سطح علمی مطلوب خود برسد. کارگری که در آفتاب سوزان و در سرمای زمستان مشغول کار است، آیا سختی نمی‌بیند؟ قطعاً می‌بیند، اما برای امرار معاش، این سختی را به جان می‌خورد. حتی مسافرت هم که برای تفریح است، سختی خودش را دارد، انسان آن سختی‌ها را تحمل می‌کند تا بتواند به تفریح خود پردازد، اصلاً هر کاری سختی‌های خود را دارد، خب حجاب و پوشش هم همین‌طور... از طرفی همان‌طور که آرایش کردن و آرایش را حفظ کردن سختی دارد، چادر هم نیز...



؟ من چادری‌هایی را دیده‌ام که آدم‌های فوبی نبوده‌اند، بدافلاق بوده‌اند بی ادب بوده‌اند و... برای همین از چادر بدم می‌آید، هر چند فوبی‌های آن را می‌دانم!

فرض کنید قصد دارید پزشک شوید، در رشته‌ی پزشکی قبول می‌شوید و برای آینده‌تان شغل پزشکی را در نظر می‌گیرید، بعد چند پزشک را می‌بینید که رفتار خوبی ندارند، در مواجهه با بیمار، تند و زننده صحبت می‌کنند، مغرورند، بداخلاق‌اند و... آیا رفتار این چند پزشک باید روی تصمیم شما که قرار است پزشکی بخوانید تأثیر بگذارد؟ قطعاً نه! پیش خودتان می‌گویید من می‌روم پزشک می‌شوم و با بیماران خوب برخورد می‌کنم، پزشک می‌شوم و غرور را کنار خواهم گذاشت، نه مثل این پزشک‌نماهایی که آداب اولیه‌ی برخورد با دیگران را نمی‌دانند! مثلاً اگر چند راننده را ببینید که بدون رعایت فرهنگ رانندگی، با شتاب‌زدگی رانندگی می‌کنند و در مقابل کوچک‌ترین اشتباهات دیگران، بد رفتاری می‌کنند، شما دیگران را خود را استفاده نخواهید کرد؟ طبیعتاً هر گروه از انسان‌ها، خوب و بد دارند. شما اگر چند چادری دیده‌اید که رفتار خوبی نداشته‌اند، اگر واقعاً به خوب بودن چادر ایمان دارید، چادر سر کنید، خوش برخورد باشید، کار اشتباه انجام ندهید و الگو شوید، تا دیگران از دیدن شما لذت ببرند.

؟ این دختر هنوز نجاست، زوده بفواد حجاب بگیره!

بعضی پدر مادرها دختر بچه‌هایشان را بی حجاب بیرون می‌آورند، می‌گویند خودش باید انتخاب کند. آن‌ها می‌خواهند حجاب را به او الزام نکنند، از آن طرف بام می‌افتند و با اینکار بی حجابی را به او الزام می‌کنند. در زمان جاهلیت، دختر بچه‌ها را زنده به گور می‌کردند و تمام! حالا اما با این کارهایمان، دختر بچه را از همان کودکی،



اسیر می‌کنیم، اسیر ظاهرش، اسیر لباسش... اسیر نگاه دیگران... او را از کودکی به درگیری با ظاهر خود عادت می‌دهیم، وقتش را، فکرش را، استعداد هایش را فدای همین ظاهرش می‌کنیم... روحش را زنده به گور می‌کنیم... تازه اگر جسمش آسیب نبیند!

اگر بچه‌مان در کودکی پوشش کاملی نداشته باشد، حیای فطری او رنگ خواهد باخت، در این صورت انجام کار خلاف برای او آسان خواهد شد و بعدها حتی اگر با حجاب شود، با حیای رنگ باخته‌اش چه کنیم؟



؟ چه بسیاری چادری‌هایی که از صدمه‌ی حجاب بدترند!

ما وقتی می‌گوییم چادر، منظورمان هر چادری نیست! چادر با مشخصات و ویژگی‌های خاص خودش! منظور ما از چادر یک پوشش عقیفانه است، پوشش پاکدامنی. مثلاً بعضی‌ها چادر ملی اندامی به سر می‌کنند؛ خوب اگر قرار است چادر هم اندامی باشد، پس چه نیازی است به چادر؟ چادر سر می‌شود تا اندام و برجستگی‌های بدن را بپوشاند. یا بعضی‌ها چادر سر می‌کنند، که صد رحمت به چادر سر نکردنشان! زیر چادر لباس‌های تنگ و جذاب و زننده و چادرشان هم که همیشه باز؛ هدف از چادر این است که زن در معرض نگاه نامحرمان قرار نگرفته و از میدان مغناطیسی دیدشان خارج شود. به نظر شما خانمی چادری بایک آرایشی غلیظ، از نگاه نامحرمان و تبعات احتمالی آن محفوظ است؟ خوب به این شخص دیگر نمی‌توان گفت چادری! در کنار چادر، باید حیا هم باشد تا هدف پوشش تأمین شود.



؟ خدا بخشیده است و بفاطر چند تار مو کسی را مجازات نمی‌کند

فرض کنید بگوییم خدا بزرگ‌تر از آن است که به خاطر نخواندن چند رکعت نماز، یا خوردن یک تکه نان در ماه رمضان، کمی غیبت کردن و چند دروغ کوچک بخاهد ما را مجازات کند! به نظر شما اگر قرار باشد تمام دستورات دین را با همین توجیہات نادیدہ بگیریم چیزی از دین برایمان باقی می‌ماند؟ به نظر شما تمام اشتباہات و گناہانی کہ دانستہ انجام می‌دهیم از جانب خداوند بہ ہمین راحتی بخشیدہ می‌شوند؟ تازہ همانطور کہ گفتیم، بدحجابی اثرات زیان بار و خیلی بزرگی بہ ہمراہ خواہد داشت کہ ہم خود فرد و ہم جامعہ را بہ انحراف خواہد کشاند، خدا ہم اگر ببخشد، بندگانی کہ زندگیشان بخاطر این وضعیت بدحجابی بہ ہم ریختہ است، خواہند بخشید؟

؟ اگر پدر سرکنم، فائوادہ، دوست و آشنا مسفرہام می‌کنند!

می‌گویند روزی مردی سوار بر الاغش بود و با پسرش از روستایی می‌گذشت، مردم آن روستا بہ او گفتند خجالت نمی‌کشی؟ خودت سوار بر الاغ شدہ‌ای و پسر تو را پیادہ می‌آوری؟ تو یعنی بزرگ‌تری و باید سختی‌ها را برای خود بخوایی نہ پسر تو، مرد پیادہ شد و پسرش را سوار بر الاغ کرد، بہ روستای دیگری رسیدند، مردم کہ دیدند پسر سوار بر الاغ است گفتند، پسر کہ جوان است و بانشاط باید پیادہ باشد و پدر کہ سنی از او گذشتہ باید سوار بر الاغ باشد، پدر و پسر با شنیدن این حرف ہر دو پیادہ شدند و با الاغ بہ مسیر خود ادامہ دادند تا بہ دہ دیگری رسیدند، مردم گفتند عقل ندارند این پدر و پسر، الاغ دارند، اما ہر دو پیادہ می‌آیند، پدر و پسر ہر دو سوار بر الاغ شدند و بہ روستای دیگری رسیدند؛ مردم گفتند، چقدر ظالم اند این دو، مگر الاغ زبان بستہ چقدر توان دارد کہ ہر دو بر آن سوار شدہ اند و... انسان‌ها نباید این قدر سست عنصر باشند کہ بخوہند رفتارشان را با توجہ بہ حرف و حدیث مردم تنظیم کنند، تازہ چقدر زشت است اگر کسی بداند یک کاری اشتباہ است ولی آن را بہ خاطر حرف دیگران انجام دہد. بہتر نیست بجای اینکہ زندگیمان را با حرف مردم تنظیم کنیم، با حرف خدا تنظیم کنیم؟

بہترین کار این است کہ بہ نظر دیگران دربارہ‌ی خودتان اہمیت ندهید و بر اساس معیارہای خودتان زندگی کنید، اگر ہمہ‌ی کارہایتان برای بہ دست آوردن رضایت

دیگران باشد، دیگر نمی‌توانید هویت خودتان را حفظ کنید، یعنی دیگر خودتان نیستید، اگر مثل دیگران لباس بپوشید یا مثل دیگران صحبت کنید، این دیگر شما نیستید که حرف می‌زنید، بلکه دوستان شما هستند که لباس پوشیده‌اند و صحبت می‌کنند. وقتی پوششی عقیفانه برای خودتان انتخاب کردید، در مقابل اعتراض دوستان و اطرافیان یک توضیح کوتاه بدهید، مثلاً:

من این نوع پوشش را برای خودم مناسب می‌دانم،
من تصمیم گرفته‌ام **عقیف** باشم.
من با **چادر** آزادترم.

من با این لباس، احساس راحتی بیشتری دارم.
من با **چادر** حس تسکین بیشتری دارم.
من با **چادر** امن‌تر هستم.
من با **چادر** زیباتر هستم.



اگر ایمان دارید به این که چادر پوششی است که همه‌ی خوبی‌ها را داراست، بسم‌الله بگویید، چادر بر سر کنید برای خدا به خاطر خدا و همه‌ی حرف‌ها را به جان و دل بخرید، اگر دیدید کسی که شما را مسخره می‌کند، آدمی منطقی است برای او دلایل خوب بودن چادر را توضیح دهید و اگر دیدید منطقی نیست، آدم اصلاً نباید با آدم‌های بی‌منطق بحث کند. بسم‌الله را بگویید و معامله کنید با خدا!

۱. این بند، صحبت دختری آمریکایی است به نام رابین که در جریان طرح «مد ناب» بیان شده است، دختران در این طرح می‌کوشند؛ لباس‌های عقیفانه را به جامعه معرفی کنند. رک: «دختران به عفاف روی می‌آورند» اثر وندی شلیت، ص ۱۶۴، نشر معارف، چاپ دهم.



یک داستان زیبا



دکتر مرتضی آقانه‌رانی روزهایی که در آمریکا اقامت داشت، مسئولیت مؤسسه‌ی اسلامی شهر نیویورک را به عهده داشت. خاطره‌ای که پیش روی شماست، در زمان مسئولیت ایشان در مؤسسه اسلامی شهر نیویورک رخ داده است؛

یک روز جلوی درِ مؤسسه دختر خانم جوانی جلوی من را گرفت و اظهار داشت: می‌خواهد مسلمان شود. سؤال کردم چه اطلاعاتی درباره‌ی اسلام دارید؟ گفت: به این نتیجه رسیده‌ام که مسلمان شوم. پیشنهاد مطالعه‌ی چند کتاب را به او دادم، کتاب‌ها در اختیارش گذاشته شد؛ بعد از مدتی با اشتیاق به نزد آمد و گفت: کتاب‌ها را خوانده و می‌خواهم مسلمان شوم. باز چند کتاب دیگر هم به او دادم و گفتم: این‌ها را هم مطالعه کنید. این کار چند بار همین‌طور ادامه پیدا کرد. مطمئن بودم جامعیتی از اسلام و مکتب تشیع از مطالعه‌ی کتاب‌ها برایش حاصل شده است. یک روز همین دختر با عصبانیت وارد مؤسسه شد و گفت: اگر همین الان شهادتین را برایم نخوانید، داخل شهر می‌روم، داد می‌زنم و اعلام می‌کنم، من مسلمان هستم تا همه متوجه بشوند و به این طریق اسلام می‌آورم. شور و اشتیاق این دختر موجب این شد تا به او قول دهم در مراسم جشن بزرگ میلاد امام حسین (علیه السلام) در مؤسسه ایشان بیایند و مراسم تشرف به اسلام را برگزار کنیم.

روز میلاد امام حسین (علیه السلام) مراسم جشن برپا شد و شیعیان زیادی هم در جلسه شرکت کردند، به عنوان یک میان برنامه اعلام کردیم یک دختر فرانسوی مقیم نیویورک با اطلاع و آگاهی، دین اسلام و مکتب تشیع را برگزیده و قرار است مراسم اسلام آوردنش را برگزار کنیم.

در این میان شخصی از داخل جمعیت بلند شد و گفت: اصلاً این دختر از اسلام چه می‌فهمد؟ بنده نیز سوالی را مطرح کردم و گفتم هرکس جواب را می‌داند پیرامون آن توضیح دهد؟ سؤال درباره‌ی مسئله‌ی «بداء» بود که از اعتقادات مسلم ما شیعیان است. هیچکس در این باره چیزی نمی‌دانست! همین سؤال را از این دختر پرسیدم! توضیحاتی پیرامون آن به جمعیت ارائه داد. سپس در جلوی جایگاه قرار گرفت؛ پس از اقرار به شهادتین و ارائه‌ی عقاید به او، اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ او خوانده شد. رسماً به اسلام و مکتب تشیع گروید و نام او را «رقیه» نهادیم. چند روزی از این قضیه گذشت تا اینکه همین دختر را با حجاب کامل اسلامی همراه با مرد و زنی دیدم، به نظر می‌آمد پدر و مادرش باشند. در خیابان جلوی مدرسه با ما برخورد نمودند. آن مرد و زن (پدر و مادرش) با زبان فرانسوی شروع به سرو صدا کردند؛ چرا دختر ما را مسلمان نموده‌اید؟ به او بگویید حجابش را بردارد... سرو صدا باعث شد عده‌ای دور ما جمع شوند. در همان حین، احساس کردم این دختر تازه مسلمان الان در شرایط سختی است و خیال کردم دارد خجالت می‌کشد. به موسسه رفتم و زنگ زدم ایران، دفتر آیت الله مظاهری و پرسیدم: آیا در چنین شرایطی اگر اصل دین شخص در خطر باشد شما اجازه می‌دهید روسری اش را بردارد؟ در این مورد خاص ایشان فرمودند اشکال ندارد. به سرعت برگشتم و به این دختر گفتم: با یکی از مراجع تقلید صحبت کردم، در مورد شما فرمودند: اگر دین شما در معرض خطر است اشکال ندارد و شما می‌توانید روسری تان را بردارید، دختر تازه مسلمان به من گفت: این حکم از احکام ثابت و اولیه است یا از احکام ثانویه و بنا بر ضرورت است؟ گفتم از احکام ثانویه می‌باشد. تا این را شنید، گفت: «اگر روسری خود را برندارم و بخاطر حفظ حجابم کشته شوم آیا من شهید محسوب می‌شوم؟» گفتم: «بله!» گفت: «والله روسری ام را بر نمی‌دارم هرچند در راه حفظ حجابم جانم را از دست بدهم.» البته بعد از این ماجرا خانواده‌ی او نیز با مشاهده‌ی رفتار بسیار مؤدبانه‌ی دخترشان از این خواسته صرف نظر کردند.

آن‌ها عازم فرانسه بودند و با همان حال به طرف فرانسه روانه شدند، نشانی یک مرکز دینی که دوستان مادر آنجا بودند را به او دادم و بعداً هم متوجه شدم که الحمدلله با یک جوان مسلمان فرانسوی ازدواج نموده است.

چند نکته



لطفاً دوستان را بروز کنید؛

از زمانی که تصمیم می‌گیرید با حجاب باشید با عکس العمل‌های متفاوتی روبرو می‌شوید که برخی از آن‌ها ممکن است شما را شوکه کند. برای نمونه، شاید اعضای خانواده به شما واکنش نشان دهند، از انتخاب جدید و زیبای شما متعجب شوند، در مقابل این واکنش‌ها، فقط یک لبخند بزنید، لبخندی به زیبایی قلب مهربان و انتخاب جدیدتان!

ممکن است دوست صمیمی شما که تا قبل از این در همه‌ی لحظات کنار شما بوده به یکباره نه تنها انتقادهای جدیش را شروع کند بلکه در نهایت شما را تنها بگذارد. کسی که تا قبل از این شما را با کلمات بسیار محبت آمیز خطاب می‌کرد، امروز با رفتارهایی متفاوت و غیرقابل تصور شما را شوکه می‌کند. ممکن است گروه دوستانتان در مدرسه یا دانشگاه شما را طرد کنند و بگویند به خاطر ظاهر و افکار دیگر نمی‌توانیم تو را در جمع خود بپذیریم. نگران نباشید، زیرا شما یک راه جدید را در پیش گرفته‌اید، لازم است دوستانی بیابید که با شما همراه و هم مسیر باشند. در این بین ممکن است اتفاقاً یکی از دوستانتان نیز بخواهد مانند شما در پوشش خود تغییرات مثبت ایجاد نماید. این برای شما یک فرصت خواهد بود تا مسیر خود را با همراهی او طی کنید.

به فکر دوستان جدید باشید؛

در راه جدیدی که انتخاب کرده‌اید به دوست و همراه جدید احتیاج خواهید داشت، دوستی که همفکر با شما باشد و حرف‌های شما را بفهمد و در لحظات سخت بتواند در کنار شما بوده و به شما کمک کند. داشتن دوست خوب و با ایمان در طی مسیر بندگی بسیار مهم و تأثیرگذار است، زیرا همیشه بدون اینکه خودمان متوجه شویم، خصوصیات و ویژگی‌های دوستان بر روی ما تأثیر مستقیم می‌گذارد. بنابراین اگر دوستانی دارید که تلاش می‌کنند شما را از انتخابتان منصرف کنند و شما را به پوشش‌های نامناسب و ناعفیفانه دعوت می‌کنند و یا اصرار دارند که در جمع‌ها و مهمانی‌های حرام حضور داشته باشید، حتماً از آن‌ها فاصله بگیرید.



مسجد بهترین مکان برای یافتن دوستان خوب است؛

حالا که به دنبال دوستان خوب هستید می‌توانید به مکان‌هایی که محل تجمع افراد مذهبی است وارد شوید. یکی از بهترین مراکز برای یافتن دوستان خوب، مسجد است. البته به این نکته هم توجه داشته باشید ممکن است در مسجد با کسی آشنا شوید که در اعتقاد خود چندان محکم نباشد یا با کسی آشنا شوید که دوستی از جنس مخالف داشته باشد اما تعداد این افراد به نسبت مکان‌های دیگر بسیار کمتر و رفتارهای پرخطر از جانب این افراد کمتر است. در واقع هیچ قشری وجود ندارد که همه در آن خوب و یا همه در آن بد باشند بلکه عموماً افراد مذهبی و سالم به مکان‌های سالم و افرادی که به دنبال روابط ناسالم هستند در مکان‌های ناسالم حضور دارند.

همچنین برای نمازتان وقت بگذارید، در نماز خواندن عجله نکنید، چون دارید با خدا حرف می‌زنید، هر روز در مواقع نماز، همان اول وقت وضو بگیرید و با آرامش نمازتان را بخوانید. وقتتان را برای نماز خالی کنید تا نیازی به عجله کردن نباشد.



اگر دوست پسر دارید، همین الان از او فاصله بگیرید؛

اگر خدایی ناکرده تاحالا دوست پسر داشته‌اید از این پس باید رابطه‌ی دوستی‌تان را با او قطع کنید. اینگونه پسرها معمولاً برای اینکه نمی‌خواهند دوست دخترشان را از دست بدهند، به او قول ازدواج می‌دهند، مواظب باشید فریب این حرف‌ها و این قول‌های الکی را نخورید. اگر او واقعاً خیرخواه شما باشد می‌تواند برای ازدواج با شما از طریق بزرگترها اقدام نماید. قطع این رابطه اگرچه ممکن است برای شما سخت باشد و غیرممکن جلوه کند اما مطمئن باشید ترک این دوستی برکاتی را به همراه خواهد داشت که بسیار بیشتر از روابط قبلی شما را آرام خواهد کرد. باور داشته باشید که اگر برای عمل به دستور خداوند از لذتی که ممکن است برایتان سخت و شکننده باشد، بگذرید، خداوند از دریای بی‌نهایت لطف و کرم خود پاداش‌هایی را در این دنیا و آخرت به شما می‌دهد که لذت معنوی آن‌ها را با چیز دیگری عوض نخواهید کرد که مهم‌تر از همه‌ی آن‌ها لذت رضایت الهی است. تنها نیستید، اگر فکر می‌کنید نمی‌توانید دوستی‌های نامشروع را ترک کنید، کتاب شاخه نبات را بخوانید. یادتان نرود بهترین دوست عالم همراه شماست اگر در شرایطی هستید که احساس تنهایی می‌کنید و گمان می‌کنید کسی نمی‌تواند شرایط شما را درک کند، ناامید نباشید، شما یک دوستی دارید که هیچ‌گاه با شما قهر نخواهد کرد، شما دوستی دارید که همیشه

آماده‌ی گوش دادن به حرف‌های شماست، دوستی که همیشه با شما خواهد بود، خدای بزرگ، مهربان و دوست داشتنی. به هیچ وجه جای ناامیدی نیست زیرا خداوند دوست و یاری دهنده‌ی شما در سختی‌ها و تنهایی‌هاست. باور خود را به یاری خداوند با تلاوت قرآن و صحبت کردن با او تقویت کنید.

برای مواجهه با اطرافیان آماده باشید؛

حالا که با حجاب شده‌اید، با عکس‌العمل‌های متفاوتی از طرف اطرافیان روبرو خواهید شد. در صورتی که شما خانواده‌ای مذهبی دارید با مشکل خاصی روبرو نخواهید شد؛ بلکه برعکس، از تشویق‌ها و حمایت‌های ویژه‌ای بهره‌مند می‌شوید که تا قبل از این تجربه نکرده بودید؛ اما اگر خانواده و اطرافیان شما مذهبی نباشند ممکن است در مسیر جدید زندگی خود با مسائل و مشکلاتی از طرف آن‌ها روبرو شوید که باعث خستگی و دل‌زدگی شما شوند. شاید برخی از اطرافیان بخواهند شرایط را برای شما سخت کنند تا بلکه از تصمیمتان منصرف شوید. در حقیقت بیشتر وقت‌ها آن‌ها همچنان عاشق شما هستند اما خیال می‌کنند با سختگیری می‌توانند شما را به پوشش قبلیتان برگردانند. برخی دیگر نیز سعی می‌کنند با گفتگوها و بحث، شما را منصرف کنند. در هر صورت باید پیش‌بینی‌های لازم را کرده باشید و خود را برای روبرو شدن با این عکس‌العمل‌ها آماده کنید. اگر با مخالفت پدر و مادرتان مواجه شدید، فراموش نکنید که هیچ‌گاه اجازه‌ی بی‌احترامی به آن‌ها را ندارید. همیشه مودبانه برخورد کنید و از آن‌ها بخواهید کمکتان کنند. جملات کوتاه بگویید، مثلاً؛ ماما بهم کمک کن، نزار اذیت بشم!

اطرافیان شما که از فرعون بدتر نیستند! فرعون، با اینکه فرمانروای بزرگ زمان خودش بود و هزاران انسان تحت فرمان او بودند، هم ثروتمند بود و هم ظالم و زورگو، ولی آسیه، همسر او، راه خدایی را انتخاب کرد، با اینکه در خانه‌ی فرعون زندگی می‌کرد، ایمان به خدا آورد و راه خودش را از راه فرعون جدا کرد. آسیه نه پیامبر بود، نه پیامبرزاده بود، و نه در خانه‌ی پیامبری رشد کرده بود، ولی به شکلی پیشرفت کرد که شد الگوی من و شما.



تعریفان را با خودتان روشن کنید؛

ابتدا با خودتان رودررو شوید! برای موفقیت در هر کاری لازم است ابتدا تکلیف خودتان را با خودتان روشن کنید. حالا که با عقل و منطق خود، حجاب را در قلب خود جای داده‌اید، آماده‌ی پاسخگویی به اطرافیان خود باشید، با یک قلب مطمئن و مصمم با دیگران روبرو شوید. نگران نباشید؛ شما بسیار شجاع‌تر از دیگران هستید بسیاری از کسانی که در ابتدا شما را سرزنش می‌کنند، در ذهن و وجدان خود به این نتیجه رسیده‌اند که پوشش عقیفانه بهتر است از پوشش‌های فسادزا، اما جسارت انتخاب آن را ندارند، بنابراین شما با انتخاب حجاب در واقع شجاع‌تر بوده و اعتماد به نفس بیشتری داشته‌اید. شما می‌توانید به دیگران هم کمک کنید تا این روش زندگی را با شجاعت بیشتری انتخاب کنند. بسیاری از کسانی که مانند شما متحول شده‌اند بعد از انتخاب پوشش کامل باعث شده‌اند بسیاری از اطرافیان و دوستانشان نیز حجاب را انتخاب کنند.

بحث نکنید! فقط توضیح کوتاه بدهید؛

هدف شما از بحث و گفتگو با اطرافیان این نباشد که خودتان را ثابت کنید؛ بلکه هدفتان را این قرار دهید که حق را بگویید و دیگران را نیز به موضع حق دعوت کنید. این هدف بر نحوه‌ی گفتگوهایتان تأثیرگذار خواهد بود زیرا برای اینکه بتوانید حقانیت انتخابتان را اثبات کنید به دنبال دلایل منطقی و مستدل خواهید بود و از جدل‌های بیهوده با خانواده دوری می‌کنید. به هیچ وجه نباید خود را برتر از دیگران بدانید، همواره بصورت منطقی در صدد پاسخ دادن و آرام کردن اطرافیان به ویژه پدر و مادر خود باشید.

به دیگران احترام بگذارید و در عین حال تفران‌ها را زیر سؤال ببرید؛

هنگامی که با سرزنش‌ها و مخالفت‌ها روبرو می‌شوید، صبور باشید. هیچ ضرورتی ندارد که در ابتدای راه، بخواهید همه را متقاعد کنید. مهم این است که در این شرایط بتوانید به همه و مخصوصاً پدر و مادر و بزرگترها احترام بگذارید. احترام گذاشتن شما تا حد زیادی آن‌ها را آرام می‌کند و وادار می‌کند که آن‌ها هم به شما احترام بگذارند. قدم بعدی این است که تفکر باطل و انحرافی را زیر سؤال ببرید. موضع شما برحق است، زیرا شما تصمیم گرفته‌اید یکی از احکام الهی را در مورد خودتان اجرا نمایید؛ بنابراین با باور به این موضع، در واقع این شما نیستید که باید جوابگوی رفتارتان باشید بلکه دیگران که احکام الهی را رعایت نمی‌کنند باید این رفتار خود را توضیح دهند و پاسخگو باشند. می‌توانید در گفتگوها بجای اینکه بخواهید دائماً انتخاب خود را توضیح دهید، بگویید:

چرا نباید اینگونه باشم؟

چرا باید فلان رفتار خلاف اسلام را انجام دهم؟

چه کسی می‌گوید که ما باید چگونه باشیم؟ برای من فقط رضایت خداوند مهم است و او از من می‌خواهد با حجاب باشم.

چرا باید طوری لباس بپوشم که دیگران می‌خواهند؟

چرا نباید آنطور که خدا دوست دارد، لباس بپوشم؟

سپس به تدریج زمانی که دیگران متوجه شدند شما در انتخاب خود جدی هستید در گفتگوها سعی کنید با دلایل عقلی از حجابتان دفاع کنید. در این صورت شما خودتان ذهن افراد و سیر گفتگوها را مدیریت می‌کنید. زیرا در ابتدای امر چون اکثراً می‌خواهند اصل رفتار شما را زیر سؤال ببرند و صرفاً مخالفت کنند، نمی‌توان به بحث‌های منطقی پرداخت، در این شرایط استدلال‌ها شنیده نمی‌شود؛ اما بعد از مدتی که اعتراض‌ها خوابید و برخی اطرافیان با انتقادهایشان تخلیه شدند آنگاه اگر در شرایط آرام به استدلال بپردازید، بیشتر شنیده شده و مورد توجه قرار خواهد گرفت.

برخی دوستان را از دست می‌دهید؛

با انتخاب حجاب ممکن است دوست صمیمی خود را نیز از دست بدهید، اما نگران نباشید با کمی صبوری و توکل به خداوند دوستانی پیدا خواهید کرد که در راه جدیدی که در پیش گرفته‌اید یار و همراه شما خواهند بود. از این پس می‌توانید بسیاری از مسائلی که با آن‌ها روبرو می‌شوید را با کمک دوستان دلسوز خود راحت‌تر پشت سر بگذارید.



از اختلاط با نامحرم، به شدت پرهیز کنید؛

باید سعی کنید تا می‌توانید از مکان‌هایی که نامحرم در آن حضور دارد، فاصله بگیرید، چون اختلاط با نامحرم یکی از مهم‌ترین عوامل کشیده شدن انسان به سمت انواع گناهان است. یک دختر عفیف و یک پسر مومن، تنها با محارم خود ارتباطی صمیمانه دارد، نه با همه. این اختلاط با نامحرم ممکن است در کلاس‌های هنری، در کلاس‌های زبان، در دانشگاه، در اردو، در جمع‌های خانوادگی و... باشد. دور آن‌هایی که می‌شود نرفت را باید خط کشید؛ مثلاً کلاس زبانی انتخاب کنید که مختلط نیست، کلاس نقاشی‌ای بروید که مختلط نیست و... ولی بعضی محافل مختلط را نمی‌توان نرفت؛ مثلاً میهمانی‌های خانوادگی یا کلاس دانشگاهی و... اینجور جاها را باید مدیریت کنید، مثلاً در کلاس مختلط دانشگاه، از نامحرم فاصله بگیرید و حتی ارتباط درسی‌تان را هم به هم‌کلاسی‌های همجنس خود محدود کنید. اگر میهمانی‌های خانوادگی‌تان مختلط است، به دو نکته توجه کنید؛ اول اینکه

پسران فامیل محرم نیستند همانطور که دکتر و عکاس آتلیه هم محرم نیست، پس در ارتباط با پسر خاله و پسرعمو هم حدود شرعی را رعایت کنید.

دوم اینکه پوششی عقیقانه برای حضور در اینگونه میهمانی‌ها انتخاب کنید، پوششی که توجه نامحرمان را به سمت شما جلب نکند. همچنین هیچگاه با آرایش جلوی نامحرم قرار نگیرید.

حتما احکام محرم و نامحرم را می‌دانید ولی اگر احتمالا نمی‌دانید همین الان پاورقی همین صفحه را بخوانید؛ اگر مجبور شدید با نامحرمی، صحبت داشته باشید، وقار و سنگینی کلام خود را حفظ کنید، در حد ضرورت سخن بگویید و در حد ضرورت بشنوید. و به قول اسلام، در مقابل نامحرم، متکبر باشید.

سما می‌توانید چراغ باشید؛

به طور کلی با حجاب شدن به این معنی نیست که دیگر نباید با کسانی که هم تیپ گذشته‌ی شما هستند ارتباطی نداشته باشید بلکه برعکس از آنجا که شما فضای فکری این افراد را بیشتر درک می‌کنید، بهتر می‌توانید به آن‌ها کمک کنید، به شرطی که خودتان در انتخابی که کرده‌اید ثابت قدم و راسخ بوده و دلایل کافی برای توجیه واقناع دیگران داشته باشید.

اگر هنوز مرجع تقلیدتان را شخص ندرده‌اید، دست بکار شوید؛

همانطور که وقتی بیمار می‌شویم به پزشک مراجعه می‌کنیم و یا وقتی خودروی مان خراب می‌شود، به مکانیک مراجعه می‌کنیم؛ برای اینکه احکام اسلامی را یاد بگیریم باید به مرجع تقلید مراجعه کنیم. مرجع تقلید کسی است که سال‌های زیادی درس

۱. چه کسانی با ما محرم‌اند؟ پدر و پدر بزرگ، برادر، عمو و عموی بزرگ، دایی و دایی بزرگ، پدرشهر (و چند مورد دیگر). در مقابل این افراد، نیازی نیست پوشش کامل داشته باشیم.

دین اسلام خوانده است و می تواند روش صحیح زندگی را از آیات قرآن و روایات ائمه (علیهم السلام) استخراج کند. هر شخصی هنگامی که تکلیف می شود، باید برای خودش مرجع تقلیدی مشخص کرده و احکام اسلام را از او یاد بگیرد؛ مثلاً نحوه ی صحیح نماز خواندن و یا صحیح وضو گرفتن را از او یاد بگیرد. همینطور همه ی مسائل دینی. پس دست بکار شوید و همین امروز تحقیقاتتان را شروع کنید تا بتوانید آگاه ترین مرجع تقلید را انتخاب کنید.

در جلسه یک استاد خوب اسلام شناس شرکت کنید؛

همانطور که می دانید، دین زیبای اسلام، دینی است که برای همه ی نیازهای زندگی، بهترین راه و روش ها را معرفی کرده است. چه برای عبادت کردن، چه برای کار کردن و پول در آوردن، چه برای درس خواندن، چه برای ازدواج کردن و چه برای هر چیزی که فکرش را بکنید. اگر بتوانیم زندگیمان را با همان روشی که آفریدگار ما مشخص کرده است، منطبق کنیم؛ در این صورت به بهترین روش، زندگی می کنیم و حتماً از زندگیمان راضی خواهیم بود.

مثلاً اسلام به ما یاد میدهد که چگونه صبور باشیم، چگونه آرام باشیم، چگونه رفتار کنیم تا دیگران دوستان داشته باشند، چگونه تکبرمان را درمان کنیم، چگونه حسادتمان را درمان کنیم و صدها چگونه باشیم دیگر.

ما اگر بیماری جسمی پیدا کنیم، حتماً پیش پزشک می رویم تا درمان شویم، اما برای درمان بیماری های روحی خودمان حاضر نیستیم به پزشک روحی مراجعه کنیم، مثلاً حس حسادت به دیگران داریم، خودمان هم اذیت می شویم. خوب بهتر نیست به یک پزشک روحی مراجعه کنیم تا مشکلمان حل شود؟ مثلاً از اضطراب رنج می بریم، تندخویی می کنیم، وسواس داریم، درس مان را درست نمی خوانیم و... همه ی این ها را می توان با مراجعه به پزشک روح، درمان کرد. استاد اسلام شناس یا عالم دینی، همان پزشک روح است که ما نیاز داریم برای تنظیم رفتارهایمان، بصورت هفتگی در جلسات گفتگو و سخنرانی های او شرکت کنیم. در هر شهری هستید، یک استاد عالم خوب پیدا

کنید و همانطور که تلاش می‌کنید مثلاً نقاشی یا زبان و... یاد بگیرید، همانطور بلکه بیشتر باید تلاش کنید که از استاد دینی خود، اخلاق خوب را هم یاد بگیرید. اگر باز هم نمی‌دانید چطور باید استاد خوب پیدا کنید، در گروه ترگل منتظران هستیم.



به دنبال کتاب‌های قوت‌دانی باشید؛

سعی کنید کتاب خواندن را ترک نکنید، هیچ وقت از کتاب خواندن فارغ نشوید، حتی قبل از خواب کمی کتاب بخوانید، به لطف خدا امروز اینقدر کتاب‌های خوب هستند که می‌توانیم هر روز از خواندشان لذت ببریم. البته اگر دقیقاً نمی‌دانید چه کتابی بخوانید، دوستان شما در گروه ترگل می‌توانند به شما کمک کنند. راستی مد نظر داشته باشید؛ مدتی بعد باز هم همین کتاب را بخوانید، اجازه دهید با مطالعه‌ی چندباره‌ی ترگل، دلایل عقلی حجاب خوب در ذهنتان خیس بخورد.

از گروه‌ها و سوال‌های ذهنی‌تان فرار نکنید؛

از سؤالات و شبهاتی که به ذهنتان خطور می‌کند یا دیگران آن‌ها را در ذهنتان ایجاد کرده‌اند استقبال کنید. آن‌ها بسیار برای شما سودمند هستند و باعث رشد شما می‌شوند پس آن‌ها را دوست داشته باشید. حتماً سؤالات شما قبلاً پاسخ داده شده‌اند، پس دنبال پاسخ باشید. برای یافتن پاسخ سوال‌هایتان ما هم می‌توانیم کمکتان کنیم.



بیس از بیس توسل راسته باشید

شما قطعاً در انتخاب این راه مورد عنایت خداوند و اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته‌اید، در طی این راه پرفراز و نشیب همیشه توسل و ذکر داشته باشید. در واقع شما ریل زندگی خود را تغییر داده‌اید برای اینکه بتوانید راحت‌تر تکان‌های این تغییر ریل را پشت سر بگذارید، هر روز توسلی کوتاه که در حین رفت و آمد نیز بتوان آن را انجام داد در نظر بگیرید. برای آرامش فکری، روحی و برطرف شدن موانع این راه، دائماً از اولیای خدا استمداد بجویید.

ما که خواندن کتاب تمام شد
لطفاً احسان را
برای ما یاد کنید!

ما احساس زیبای شما را با دیگران، به اشتراک خواهیم گذاشت.
همچنین سوالات خودتان را هم می‌توانید با ما در میان بگذارید.
به امید موفقیت همیشگی شما.

۰۹۰۳۱۰۰۷۰۱۹

گروه ترطی ها

این گروه برای دخترانوبایی هست که ترطی رو فوندن
و تصمیم گرفتن که از امروز، به جور دیگه زندگی کنن.
توی این گروه، قراره به هم کمک کنیم، قرارنار هم باشیم
تا کسی احساس تنهایی نلنه.

اگه سوال یا ابهامی براتون پیش اومده، حتما عضو ترگلی ها بشین
تا دوستاتون کمکتون کنن.

سَظَرَتُون هستِیم.

@targolia

t.me/targolia

eitaa.com/targolia

آنچه در ادامه می بینید، چند صفحه ی است از کتاب شاخه نبات .
تا شما خواننده ی گرامی با مباحث آن آشنا شوید.
این کتاب به معرفی ۲۴ راهکار برای کنترل و مدیریت شهوت می پردازد.
مطالعه ی این کتاب، برای همه ی سنین +۱۴ سال مفید خواهد بود.

برای تهیه ی این کتاب عدد ۴۰ را به شماره ی ۰۹۰۳۱۰۰۷۰۱۹ پیامک کنید.
یا به نشانی اینترنتی زیر مراجعه بفرمایید:

7ee.ir/nabat



شاهینبات

راهکارهای کنترل شهوت و نگاه

عماد داوری دولت آبادی

چاپ دوم

مقدمه

اجازه دهید در ابتدا ساختار کلی راهکارها را در قالب یک مثال توضیح دهیم؛ اگر کمردرد داشته باشید، پزشک به دو صورت شما را درمان خواهد نمود. اول توصیه به ورزش و دوم تجویز دارو.

ورزش، درمانی فوری برای کمردرد نیست، بلکه در درازمدت با تاثیر بر ساختار بدن، نه تنها از بروز کمردرد که از بروز خیلی مشکلات جسمی دیگر جلوگیری خواهد کرد، ورزش فایده‌های دیگری نیز برایتان خواهد داشت؛ مثلاً نشاط بخشی، افزایش طول عمر و... بعضی راهکارهای کنترل شهوت اینگونه‌اند، شاید در نگاه اول بگویید فلان راهکار چه ربطی به کنترل شهوت دارد، ولی باید بدانیم این راهکارها در درازمدت روح ما را به شکلی تنظیم می‌کنند که بتوانیم عنان شهوتمان را در دست بگیریم. همچنین نه تنها شهوت، که دیگر بدی‌های اخلاقی مان را نیز درمان خواهند نمود. اما بعضی دیگر از راهکارهای شهوت، مثل دارو، درمان فوری و یکدفعه‌ای داشته و مستقیماً بر کنترل شهوت تاثیر می‌گذارند.

تاثیر هر کدام از این بیست و چهار راهکار پیش رو، متفاوت است، مثلاً یک راهکار بیست درصد در کنترل شهوت کمک می‌کند و راهکاری دیگری درصد. جالب است بدانید؛ یکی از راهکارها، روشی صد درصدی برای کنترل شهوت است که ان شاء الله بیان خواهد شد. البته به شرط عمل.

راهکار اول؛ تقویت عقل، تضعیف شهوت

دو چیز در مقابل عقل‌اند؛ یکی خشم و یکی شهوت. هرچه عقلمان را تقویت کنیم، شهوتمان تضعیف و هرچه شهوتمان را تقویت کنیم، به همان مقدار عقلمان تضعیف خواهد شد. برای همین است که می‌بینید افراد در حالت عصبانیت یا شهوت کارهایی کرده یا حرف‌هایی می‌زنند که بعد از آن به شدت پشیمان می‌شوند. فکر می‌کنید چند درصد از قتل‌ها در هنگام عصبانیت انجام می‌گیرد؟ با این توضیحات، در می‌یابیم چرا نباید شهوت رانی در جامعه ترویج یابد. شهوت کمتر، عقل بیشتر. خوب چطور به تقویت سطح عقلی جامعه کمک کنیم؟ کار سختی نیست! حتی با کارهایی

به ظاهر کوچک! مثلاً در همین محرم و صفر، وقتی شما پرچمی مشکی درب منزلتان نصب می‌کنید، هر روز صدها نفر این پارچه را خواهند دید، در آن لحظه‌ای که چشم افراد به این پارچه می‌افتد، فکرشان از شهوت دور شده و همین دوری از شهوت، موجب تقویت عقل خواهد شد. تابحال فکر کرده‌اید چرا در ماه‌های محرم یا رمضان، آمار خشونت‌ها در جامعه کاهش می‌یابد؟ چون نمادهای اسلامی در جامعه پررنگ‌تر می‌شوند. اذان گفتن همینطور. ظاهر اسلامی داشتن همینطور و... خانم یا آقای که در جامعه با لباس‌های زننده حضور پیدا می‌کند، به تقویت عقل دیگران کمک می‌کند یا به تقویت شهوتشان؟ وقتی شبانه روز چشممان را می‌سپاریم به صدها تصویر آنچنانی، چه در فضای مجازی و چه در کوچه و خیابان، به عقلمان خدمت می‌کنیم یا به شهوتمان؟ حالا حساب کنید، تضعیف عقل چقدر می‌تواند در زندگی تاثیرگذار باشد؟ افراد با همین سطح عقلی می‌خواهند درس بخوانند، پول در بیاورند، خانواده‌ی خود را مدیریت کنند، کار کنند، پیشرفت کنند، فرزندان خود را تربیت کنند و...

تا اینجا متوجه شدیم که اگر عقلمان را تقویت کنیم، شهوتمان کاسته خواهد شد. اما عقلمان را چگونه تقویت کنیم؟ در این باره راهکارهای زیادی بیان شده که نیاز به مطالعه‌ی کتاب‌هایی دیگر دارد، اما به اختصار چند عنوان مهم تقویت عقل را بیان می‌داریم:

۱. علم آموزی ۲. تفکر ۳. تقوا و دوری از گناه ۴. استفاده از تجربه‌های دیگران ۵. پرسشگری
۶. همنشینی با علما، اندیشمندان و دوستان اهل علم ۷. آینده‌نگری ۸. مشورت ۹. رعایت آداب اسلامی ۱۰. پرهیز از کار بی‌هوده

راهکار دوم؛ تقویت ایمان

ایمان، درجاتی متفاوت دارد. مثلاً شخصی ده درصد از ایمان را داراست و شخصی هشتاد درصد. به بالاترین سطح ایمان که همان ایمان صد درصدی است، می‌گوییم یقین. و به ایمان یک درصدی تا نود و نه درصدی هم می‌گوییم ایمان متوسط. ایمان متوسط مانند اتومبیل ضعیفی است که می‌خواهد از سربالایی تندی عبور کند، اما نمی‌تواند. ایمان متوسط در مواجهه با گردنه‌های مسیر رشد و تعالی، کم خواهد آورد. برای مثال؛

ایمان شصت درصدی؛ تنها توان مقابله با خشم شصت درصدی را خواهد داشت. ایمان شصت درصدی شهوت شصت درصدی را تحمل خواهد کرد. تا در موقعیتی با شهوتی قوی تر برخورد نماید، شکست خواهد خورد. پس هرچه ایمان قوی تری داشته باشیم، به همان اندازه، توان بیشتری برای مقابله با شهوت خواهیم داشت. حالا یک پرسش! به نظر تان وقتی کوچکترین صحنه‌ی محرکی در خیابان، توجه‌مان را جلب می‌کند، یعنی شهوتی چند درصدی و ایمانی چند درصدی داریم؟

شخصی که با خودش عهد بسته تا نگاه حرام را ترک کند، اگر مرتکب گناه شد، تنها استغفار می‌کند، اما برای تقویت ایمان خود فکری نخواهد کرد، استغفرالله تنها چه فایده؟ اگر ایمانمان را تقویت نکنیم باز هم مرتکب گناه خواهیم شد. پس باید ایمانمان را به حد اعلی برسانیم. یعنی یقین.

حالا حتما می‌پرسید چطور ایمانمان را تقویت کنیم؟ راهکار تقویت ایمان، تفکر روی دلایل خداشناسی است؛ برای این کار هم، باید کتاب خواند، پیشنهاد می‌کنیم نخست کتاب مبانی خداشناسی آیت‌الله ری شهری و سپس کتاب ایمان استاد عزیزمان، آیت‌الله مهدوی را بخوانید. وقتی مطالعه‌ای دقیق و با تفکر روی دلایل خداشناسی داشته باشیم، نماز بهتری هم می‌خوانیم، سجده‌ی متواضعانه تری هم خواهیم رفت، عبادت زیباتری هم خواهیم داشت و...

راهکار سوم؛ یاد مرگ

قطار دنیا هر روز و با سرعت در حال گذر است، هر ایستگاه، مسافران جدیدی می‌آیند و چند ایستگاه آن طرف تر پیاده می‌شوند. چقدر به این فکر کرده‌ایم که روزی خودمان نیز از این قطار پیاده خواهیم شد؟ نه! چقدر به این فکر کرده‌ایم که روزی از این قطار پیاده‌مان خواهند کرد؟ چقدر به این فکر کرده‌ایم که همین خودمان با این همه تکبری که داریم، هرچقدر هم پول داشته باشیم، هرچقدر هم زیبا باشیم، هرچقدر هم آبرو داشته باشیم و صدها هرچقدر دیگر، سرانجام می‌همان همین خاک زیر پایمان خواهیم شد؟

باید یاد مرگ را همیشه در خودمان زنده نگاه داریم، اگر یاد مرگ باشیم، به خودمان اجازه‌ی گناه و سرپیچی از دستورات الهی را نخواهیم داد، اصلاً اگر یاد مرگ باشیم چطور می‌توانیم به لذت‌ها و شهوات زودگذر دنیایی فکر کنیم؟ اگر به معاد و آینده‌ی همیشگی پیش‌رویمان فکر کنیم، چطور می‌توانیم خودمان را درگیر لذت‌های ظاهری این دوروز دنیا کنیم؟ یاد مرگ یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده از شهوات و گناهان جنسی است.

بنابراین سعی کنیم با برنامه‌ای مشخص، میان این همه گیر و دار دنیایی، توجه به مرگ و معاد را در خودمان تقویت کنیم؛ حضور در قبرستان یکی از راهکارهاست. میزان و مقدار این حضور هم برای هر فردی متفاوت است. پس نه باید زیاده‌روی کنیم و نه کم‌روی.

نشانه‌ی زیاده‌روی این است که وقتی برگشتیم نسبت به امور دنیایی مثل ازدواج، تحصیل، درآمدزایی و... بی‌رغبت باشیم و به وظایفمان عمل نکنیم، نه! این اشتباه است؛ انسان مومن به‌گونه‌ای برای دنیای خود تلاش می‌کند که انگار تا همیشه قرار است در دنیا بماند و به شکلی برای آخرت خود می‌کوشد که گویا همین فردا قرار است بمیرد.

همچنین به این نکته توجه کنیم که حضور در قبرستان هنگامی فایده‌بخش خواهد بود که همراه با توجه باشد، اگر برویم قبرستان ولی مثلاً با دوستان بگو بخند داشته باشیم، یا سربتابانیم این طرف و آن طرف یا اینکه فکر هر چیزی باشیم مگر مرگ، چه فایده؟ حتی گفته‌اند در تشییع جنازه سلام کردن کراهت دارد! تازه سلام کردنی که این همه برایش تاکید شده. چرا؟ چون مبادا با این سلام، توجه مومنین را از مرگ و معاد دور کنیم.^۱

۱. حضور شب‌هنگام در قبرستان کراهت دارد.

برای تهیه‌ی نسخه‌ی کامل کتاب شاخه نبات
 عدد ۴۰ رابه شماره‌ی ۰۹۰۳۱۰۰۷۰۱۹ پیامک کنید
 یا به نشانی اینترنتی زیر مراجعه بفرمایید:
7ee.ir/nabat

با تقدیر و تشکر فراوان از:

- آیت الله سید ابوالحسن مهدوی ، عضو محترم مجلس خبرگان رهبری .
- حجت الاسلام والمسلمین حمید الهی دوست ، استاد برجسته حوزه علمیه .
- حجت الاسلام والمسلمین حمیدرضا حبیبی ، محقق و نویسنده .
- سرکار خانم دکتر ناهید اکرمی ، عضو محترم هیئت علمی دانشگاه اصفهان .
- سرکار خانم دکتر مریم دستجردی ، عضو محترم هیئت علمی دانشگاه اصفهان .
- سرکار خانم نگین مرادی ، کارشناس ارشد روانشناسی .
- آقای دکتر مهرداد زینلیان ، عضو محترم هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان .
- آقای دکتر حسین صادقی ، عضو محترم هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان .
- آقای مرتضی امیری ، کارشناس ارشد روانشناسی .
- آقای امیرحسین داوری ، پژوهشگر و نویسنده .

و دیگر اساتید محترم که با نظرات ارزشمند خود ما را
در تکمیل این اثر یاری نمودند.

منابع فارسی

۱. بیانات آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای پیرامون حجاب.
۲. سلسله بیانات آیت الله سید ابوالحسن مهدوی با موضوع حجاب.
۳. مطهری، مرتضی، نظام حقوقی زن در اسلام، انتشارات صدرا.
۴. مطهری، حسین، اندیشه های ناب، سیمای زن در اسلام.
۵. مطهری، مرتضی، مساله حجاب، انتشارات صدرا.
۶. معتضد، خسرو، سیاست و حرمسرا، زن در عصر قاجار.
۷. دیاب، عبدالمجید، طب در قرآن.
۸. رساله ی آموزشی مطابق با فتاوی مقام معظم رهبری.
۹. پایگاه اینترنتی، حوزه نت، hawzah.net.
۱۰. پایگاه اینترنتی bahejab.ir.
۱۱. خبرگزاری فارس، پایگاه اینترنتی، farsnews.com.
۱۲. مقاله حجاب، قلعه ای برای آرامش و امنیت، روزنامه کیهان، شماره ۲۰۲۱۱.
۱۳. مقاله نقش حجاب در سلامت روان، نشریات مدارس، سخن جامعه، شماره دوم، سال اول، زمستان ۱۳۹۰.
۱۴. پیام زن - دی ۱۳۸۵، شماره ۱۷۸ - همگونی «جلباب» قرآنی و چادر مشکی.
۱۵. جلالی، زینب، حجاب از دیدگاه روان شناسی، قم، مدیریت تربیتی مؤسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۶. عادل، حداد، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، انتشارات سروش.
۱۷. عاطفی، نگار، مقاله پیشینه حجاب و رابطه حجاب با فطرت، مدرسه علمیه فاطمه الزهراء سلام الله علیها قوچان، ۱۳۹۱.
۱۸. رضاخانی، محمد، پرنیان، شهید کاظمی.
۱۹. حجازی، بنفشه، زن به ظن تاریخ.
۲۰. عباس پسندیده، پژوهشی در فرهنگ حیا، دارالحدیث.
۲۱. عباس پسندیده، رضایت زناشویی، دارالحدیث.

منابع انگلیسی

- 1 Maslow , dr. Abraham , Motivation and Personality
- 2 Education Site United States of America , www.ed.gov
- 3 the free encyclopedia www.Wikipedia.com
- 4 The Guardian www.theguardian.com
- 5 The New York Times www.nytimes.com
- 6 Daily Mail Online www.dailymail.co.uk
- 7 World report on violence and health www.who.int
- 8 U.S. Department of Justice Office of Justice Programs Bureau of Justice
Statistics Female Victims of Sexual Violence, 2010-1994 www.bjs.gov
- 9 The National Intimate Partner and Sexual Violence Survey: 2010 Summary
Report www.cdc.gov
- 10 Krebs CP, Linquist CH, Warner TD, Fisher BS, MartinSL. "College
11 women's experiences with physically forced, alcohol- or other drug-
12 enabled, and drug-facilitated sexual assault before and since entering
13 college". Journal of American College Health, 2009 ;57 (6) :639-647.
- 14 Moreno-Smith M, Lutgendorf SK, Sood AK. Impact of stress on cancer
15 metastasis. Future Oncol 81-6:1863;2010
- 16 Cohen S, Rabin BS. Psychologic stress, immunity, and cancer. J Natl
17 Cancer ,Inst 4-90:3;1998.
- 18 Family Research Council www.frc.org